اللهم احیینی مسلما و توفنی مسلما و اجعلنی من اخیار المسلمین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الذي يثبت الذين
آمنوا بالقول الثابت في الدنيا والآخرة والصلوة والسلام على محمد المبعوث بخير الاديان
لإصلاح الدنيا والآخرة بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی پانی پتی مجددی میگوید
مردن امریست لابدی لا مفر منه و ذکر موت و احوال آن یاد داشتن باعث دفع غفلت و موجب [تهیهٔ کار آخرت]
لهذا رساله بزبان فارسی در احوال موت و اموات و قبور از کلام امام المتاخرین شیخ جلال الدین سیوطی
رحمة الله علیه استفاده نموده مینویسد تا فیض عام شود [بتذکرة الموتی] ابن ابی شیبه از حسن بصری روایت کرده
که حق تعالی چون آدم و ذریت او را پیدا کرد ملائکه گفتند الهی زمین اینها را گنجایش نخواهد کرد حق تعالی فرمود
که در اینها موت پیدا خواهم کرد گفتند پس اینها را زندگی گوارا نشود فرمود که اینها را طول امل دهم و احمد از مجاهد
ذکر کرده که چون حق تعالی آدم را بزمین فرستاد فرمود ابن للخراب ولد للموت تمنای موت و دعا
بدان برای رنج و مصیبت جایز نیست در صحیحین از انس مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که آرزوی
موت برای رنج نکنید اگر ناچار باشد بگویید اللهم احیینی ما کانت الحیاة خیرا لی وتوفنی اذا کانت الوفات
خیرا لی و در نهی از تمنای موت احادیث بسیار اند اگر نیکوکار است شاید نیکوئی زیاده کند و اگر بدکار است
شاید که توبه کند اینچنین بخاری از ابی هریره از آنحضرت روایت کرده ترمذی و احمد و حاکم از ابی بکره
روایت کرده که مردی پرسید یا رسول الله بهترین مردم کیست فرمود کسیکه عمرش دراز بود و عملش
نیک پرسید بدترین مردم کیست فرمود هر که عمرش دراز باشد و عملش بد این حدیث صحیح است و احمد
از ابی هریره روایت کرده که دو مرد یکی شهید شد و برادرش بعد سالی مرد طلحه رضی الله عنه آنحضرت را

خواب دید

بخواب دید برادر دویم را از شهید پیش قدم دید و این خواب بجناب حضرت صلی الله علیه وسلم گفت و تعجب کرد
آنحضرت فرمود آنکه بعد او مرده است آیا یک رمضان صوم و یک سال نماز ادا نکرده یعنی جای تعجب نیست
مسئله اگر در دین خوف فتنه باشد آرزوی موت جایز است در دعای آنحضرت منقول است
اذا اردت بقوم فتنة فاقبضني اليك غير مفتون و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده باید که کسی
از شما آرزوی موت نکنند مگر وقتیکه اعتماد بنا شد او را که عمل نیک کند فصل بیهقی از ابن عمر روایت
کرده که رسول فرموده موت تحفه مومن است و همچنین از آنحضرت جابر و امام حسین و عایشه رضی الله عنهم
روایت کردند الموت غنيمة المومن ريحانة المومن و در حدیث صحیح آمده که دو چیز را آدم مکروه میداند موت را
و موت بهتر است از معصیت و قلت مال را و از قلت مال حساب کم باشد فایده و گاهی بزرگان از شوق وصال
حق آرزوی موت کرده اند رسول صلی الله علیه وسلم وقت وفات گفته اللهم الرفيق الاعلى و یوسف علیه السلام
گفته توفني مسلما والحقني بالصالحين و طبرانی از ابی مالک اشعری روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم
الهی موت را محبوب کن بسوی هر که مرا رسول تو داند مولوی روم میگوید شعر من شوم عریان ز تن او از خیال تا
خرامم در نهایات الوصال فصل قرطبی گفته که در حدیث آمده که بعض انبیا ملک الموت گفت که تو پیش از آمدن خود
چرا کسی را خبر نمیرسی که مردم از تو هوشیار باشند ملک الموت گفت که والله پیش از من چند چیزی می آیند و آگاه میسازند
بیماریها و پیری و تغیر سمع و بصر پس چون یاد نکند و از توبه نکرد می آواز میدهم وقت مرگ که آیا من پیش خود رسول
[illegible] رسول و نذیر بعد نذیر نفرستاده بودم حالا من رسول و نذیرم بعد من رسول و نذیر نیست و در صحیح از ابوهریره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم است که فرمود هر کرا حق تعالی شصت سال عمر داد او را عذر باقی نگذاشت باب
در علامت خاتمه خیر دیدن و اسباب آن رسول فرمود صلی الله علیه وسلم وقتیکه الله اراده نیکی کند از بنده از و عمل نیک کناند
پیش از مرگ رواه الترمذی و حاکم عن انس و حاکم و احمد از عمرو بن الحمق همچنین آورده و زیاده کرده تا

رسول

آنکه همسایه او از و راضی باشند و از عایشه از آنحضرت احمد روایه کرده وقتیکه حق تعالی اراده نیکی کند با بنده

یکسال پیش از مرگ او فرشته بفرستد که محکم کند کار او را و توفیق دهد او را تا که بمیرد بر نیکوترین اوقات او

پس چون حاضر شود موت و ببیند آنچه مهیا کرده است برای او خدا قصد بر آمدن کند جان او از حرص پس ایمان دوست

دارد ملاقات خدا را و دوست دارد خدا ملاقات او را و چون خواهد الله با بنده بدی مسلط کند پیش از مرگ او

یکسال شیطانی گمراه کند او را تا که بمیرد بر بدترین اوقات او پس چون موت حاضر شود و ببیند آنچه مهیا کرده است

حق تعالی برای او از عذاب قصد فرو رفتن کند جان او و برای مکروه داشتن خروج پس ناخوش داند بنده ملاقات

خدا را و خدا او ملاقات او را و بعض علما گفته که اسباب سوء خاتمه نعوذ بالله منها چهار چیز اند سستی در نماز و خوردن

خمر و نافرمانی والدین و ایذا دادن مسلمانان و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که مسلمان می میرد از عرق پیشانی رواه

الترمذی و حاکم و صحح عن بریده و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که مرگ اگر از پیشانی عرق و آب از چشمان ریزد

و بینی فراخ شوند پس رحمة خدا بروی نزول کرده است و اگر از گلو او از خفه آواز شتر مخنوق برآید و رنگ

تباه شود و هر دو شقه او غار شوند پس عذاب خدا است که در آمده در و رواه الترمذی عن سلمان الفارسی و در

حدیثی آمده موت مومن بعرق پیشانی میشود و هیچ مسلمانی نیست مگر از وی گناهی زده است عوض آن ریج [illegible]

درد بماند آنچه باقی مانده سختی موت مکافات آن میشود رواه البیهقی عن ابن مسعود فائده سختی موت مومن و کافر

هر دو را میشود و برای مومن رحمت است که کفارت گناه و رفع درجه او میشود و کافر را اول شدت است که بود [illegible]

کافر را بسبب بعض اعمال صالحه وقت مرگ که آخر ایام دنیا است آسانی میشود چنین در حدیث [illegible]

از آنحضرت صلی الله علیه و سلم طبرانی روایه کرده از وهب ابن الورد دینوری روایه کرده که حق تعالی میفرماید که بنده

از دنیا بر نمی آرم کسی را مگر آنکه در حق او رحمة میخواهم هر گناهی میکند عوض او را بیماری و مصیبت در اهل و اولاد و تنگی

معاش و تنگی رزق میدهم و اگر چیزی از گناهان او باقی ماند وقت مرگ بروی سختی میکنم تا که بمیرد پاک از گناهان

چنانچه

چنانچه بود روز ولادت . و اگر در حق او عذاب میخواهم هر حسنه که کرده است عوض آن او را صحت بدن و
فراخی رزق و راحت زندگانی و امن میدهم اگر چیزی باقی میماند از حسنات او مرگ بروی آسان میکنم
تا که بمیرد و هیچ حسنه او را نباشد که از آتش پناه دهد و ابن ماجه از عائشه روایه کرده که آنحضرت
فرمود که مسلمان را ثواب میرسد در هر چیز تا آنکه در سختی وقت مرگ هم و در حدیث صحیح ابن ابی الدنیا
از حسن بصری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایه کرده که فرمود سختی موت بقدر سه صد ضرب شمشیر باشد
و هم او از علی رضی الله عنه روایه کرده هزار ضرب شمشیر آسانتر است از موت و خطیب از انس از آنحضرت
همچنین روایه کرده و شهید را الم موت نباشد مگر مانند خاریدن ناخن همچنین خطیب از قتاده از آنحضرت
روایه کرده باب در آنچه انسان در مرض موت بگوید و آنچه نزدوی خوانده شود و تلقین میت و بعد
موت آنچه گفته شود حاکم از سعد بن ابی وقاص از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که
فرمود هر که در مرض خود لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین چهل بار خواند اگر در آن
مرض بمیرد ثواب شهید یابد و اگر تندرست شود گناهان او بخشیده شود و مروزی از بکر بن عبد الله مزنی
[illegible] روایه کرده که گفت هرگاه ملک الموت آید و او با وضو باشد او را ثواب شهادت داده شود و احمد
و حاکم از آنحضرت روایه کرده که هر که آخر کلام او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و مسلم از آنحضرت
روایه کرده که تلقین کنید یعنی یاد دهید کسی را که موت او حاضر شود لا اله الا الله و بیهقی در شعب الایمان
از ابی اوفی روایه کرده که در حضور آنحضرت صلی الله علیه و سلم غلامی را لا اله الا الله تلقین کردند او نتوانست

گفت بسبب عقوق والدین بر گاه مادرش راضی شد لا اله الا الله گفت آنزمان رسول صلی الله علیه وسلم
گفت الحمد لله الذی انقذه بی من النار یعنی الحمد لله که او راضی شد بسبب من از آتش خلاصی داد و ابن عساکر
از عبد الله البخاری روایه کرده که مردی را گفته شد که لا اله الا الله بگو او گفت که نمیتوانم گفت بودم صحبت مردم
با قومی که مرا امر میکردند بدگفتن ابی بکر و عمر رضی الله عنهما **فصل** ابن ابی الدنیا و دیلمی از ابی الدردا
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایه کرده که بر میت اگر یس خوانده شود خدا امر بر وی آسان کند
و ابن ابی شیبه و مروزی از شعبی روایه کرده که انصار نزد میت سوره بقره میخواندند و مروزی از جابر
بن زید روایه کرده که دوست میداشت وقت حاضر شدن میت خواندن سوره رعد را ازین مرگ
آسان میشود و میگفتند که مردم یکساعت پیش از مردن کسی در حضور آنحضرت صلی الله علیه وسلم
این دعا میخواندند اللهم اغفر لفلان بن فلانة و برد علیه مضجعه و وسع علیه فی قبره و اعطه
الراحة بعد الموت والحقه بنبیه وتول نفسه وصعد روحه فی ارواح الصالحین واجمع بیننا و
بینه فی دار تبقی فیها الصحة واذهب عنها النصب واللغوب و یصلی علی رسول الله صلی الله علیه وسلم
و این دعا مکرر خوانند تا که قبض روح او شود و ابن ابی شیبه از ام سلمه روایه کرده که گفته شود نزد محتضر سلام
سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و طبرانی از آنحضرت روایه کرده که ملائکه نزد میت حاضر میشوند
و آمین میگویند بر آنچه اهل خانه میت میگویند پس آنحضرت گفت اللهم ارفع درجته فی المهدیین و
اخلفه فی عقبه فی الغابرین واغفر لنا وله یوم الدین **باب** در احوال ملک الموت و اعوان او

ابن ابی الدنیا

ابن ابی الدنیا از ابن مسعود و ابن عباس روایت کرده که چون حق تعالی ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کرد
ملک الموت از جناب الهی اذن خواست که ابراهیم را از بهشت بشارت دهم اذن شد و ملک الموت پیش ابراهیم آمد
و بشارت داد ابراهیم حمد خدا گفت پس گفت ای ملک الموت ارواح کفار را چگونه قبض میکنی گفت ای ابراهیم
طاقت دیدن نیاری گفت آری گفت که روی از من بگردان روی گردانید پس دید ملک الموت را بصورة
مردی سیاه سر باسمان کشیده می برآید از دهن او شعله آتش و در تمام بدن هر موی که هست بصورة مردیست که از
دهن و مسام او شعله آتش می برآید ابراهیم را دیده غشی کرد پس افاقت آمد و ملک الموت را بصورة اصلی
دید و گفت ای ملک الموت اگر کافر را هیچ رنج و بلا نباشد همین دیدن صورة تو بس است پس گفت اینجا چگونه
قبض میکنی روح مومنان را گفت روی بگردان از من روی گردانید پس دید مردی جوان خوبترین مردم در
حسن و جمال و خوشبوتر در پارچه های سفید پاکیزه پس گفت ای ملک الموت اگر مسلمان را نزد مردن دیگر راحت
و کرامت نباشد براینه دیدن صورة تو بس است و همچنین ابن ابی الدنیا از کعب روایت کرده و ابن ابی حاتم از
زهیر بن محمد روایت کرده که از رسول صلی الله علیه وسلم گفتند که یا رسول الله ملک الموت یکی است و دو صفها
جنگ از مشرق و مغرب و در میانه مردم می میرند فرمود که حق تعالی جمع کرده است تمام دنیا را برای ملک الموت چنانکه
طشت پیش یکی از شما باشد و احمد از معمر روایت کرده که ملک الموت اجل انسان را نمیداند تا که حکم شود بقبض
روح او و ابن ابی الدنیا از ابن جریج روایت کرده که ملک الموت را حکم میشود که فلان کس را در فلان وقت
قبض کن و ابو نعیم وغیره از مجاهد روایت کرده که تمام زمین نزد ملک الموت مانند طشت است میگیرد از هر جا که

خواهد و برای او مددکاران هستند که قبض روح میکنند پس از انها ملک الموت میگیرد و جویبر در تفسیر
خود از ابن عباس روایت کرده که همراه ملک الموت ملائکه رحمة و ملائکه عذاب اند جان پاک را قبض کرده بملائکه
رحمة میدهد و جان خبیث را بملائکه عذاب می سپارد و ابن ابی حاتم و ابن ابی شیبه از ابن عباس روایت کرده
که ملک الموت را اعوان اند و همچنین ابو الشیخ از نخعی روایه کرده و گفته که از اعوان ملک الموت میگیرد و از ابی
وهب مرویست که ملائکه که همراه آدمیان هستند همان اجل او را مینویسند و همان قبض روح میکنند و ملک الموت
را میسپارند و ملک الموت رئیس انهاست و طبرانی و ابن منده از حارث بن الخزرج روایة کرده که
رسول صلی الله علیه وسلم ملک الموت را نزد سر مردی از انصار دید و فرمود ای ملک الموت رفق و مهربانی
کن با یار من که مسلمان میت ملک الموت گفت خوش باش یا محمد من با هر مسلمان رفیق و مهربانم و بدان یا محمد
که من روح بنی آدم را قبض میکنم پس وقتیکه آواز گریه میشود از اهل او در خانه او استاده میشوم و با من
روح او میباشد و میگویم ای گریه کنندگان قسم بخدا ما ظلم برو نکرده ایم و اجل او را سابق نکرده ایم و تعجیل
ننموده ایم و ما را در قبض روح گناهی نیست اگر بحکم خدا راضی باشند ثواب یابند و اگر ناخوش شوند گنهگار
شوند و بدرستیکه ما را نزد شما باز آمدنیست و باز آمدن پس هوشیار باشند و هیچ خانه نیست از نکوکاران
و بدکاران مگر آنکه متوجه میباشم بدان شبانه روز تا که من میشناسم هر صغیر و کبیر را زیاده تر از انفس شان و قسم بخدا
اگر خواهم که قبض روح یک پشه کنم نیز توانم تا که حق تعالی اذن دهد و امام جعفر صادق گفته که در اوقات نماز
ملک الموت بر مردم متوجه میشود پس چون وقت مرگ بیند کسی را که بر نمازها پنجگانه محافظه داشت

نزدیک

محمد رسول الله

نزدیک آدمی میشود و شیاطین را از و دفع میکند و کلمه لا اله الا الله بوی تلقین کنند و ابن ماجه از ابی امامه روایت
کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که حق تعالی قبض ارواح بملک الموت سپرده مگر ارواح شهدا را
بحر خود قبض میفرماید یعنی کسانیکه برای حج بر جهاز سوار میشوند **فصل** رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم که در شب نصف از شعبان نوشته میشود کسانیکه دران سال بمیرند
شخص نکاح میکند و تولد میکند و نام او در اموات است و وحی میشود بسوی ملک الموت
بر قبض روح کسانیکه دران سال حکم مردن شان باشد اینچنین در حدیث مرفوع و موقوف آمده
و حاکم در مستدرک از عقبه بن عامر آورده که اول کسیکه موت آدمی را میداند حافظ آن عمل
او را میبرد باسمان و رزق آدمی آید و وقتیکه رزق او خارج شد دانست که خواهد مرد **باب**
در بیان کیفیت موت مومن و کافر و بیان ملائکه و غیره که وقت مرگ حاضر میشوند و آنچه او را
میت میبیند و میشنود احمد و ابو داود و غیرهما بطرق صحیحه از براء بن عازب روایت کردند
که آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر جنازه مردی از انصار فرمود سه بار استعیذوا بالله من عذاب
القبر بعد فرمود که بنده مومن را وقت مرگ ملائکه از آسمان فرود می آیند روشن رو
گویا روهای شان مثل آفتاب است با آنها کفن ها و خوشبوها از جنت باشد گرد وی بنشینند
تا مد نگاه بعد ملک الموت آید نزد سر آنکس بنشیند پس گوید ای نفس مطمئنه یعنی آرمیده
بندگی خدا بیا بسوی مغفرت خدا و رضوان او پس بر آید جان چنانچه قطره از مشک میچکد

یعنی با آسانی پس ملک الموت آنرا میگیرد و از ملک الموت در طرفة العین ملائکه که گرد او نشسته بودند میگیرند

و دران کفن و خوشبو داخل میسازند و ازان نفس خوشترین بوی مشک بر می آید پس آن نفس را بسوی

آسمان میبرند پس بر هر گروه ملائکه که می گذرند میگویند که چه خوش روح پاک است و نام او بکمال تعظیم میگیرند

فلان بن فلان است تا که میرسند باسمان و درهای آسمان را میکشایند و کشاده میشوند و مشایعه او میکنند

ملائکه مقربان از هر آسمان تا آسمان دیگر تا که برسد باسمان هفتم پس حق تعالی بفرماید بنویسند نامه بنده من

در علیین و باز برید او را بسوی زمین پس بدرستی که پیدا کرده ام انها را از زمین و دران باز گردانیم و از و

باز بیرون آرم بار دیگر پس باز گردانیده میشود روح او در بدن او پس بیایند دو فرشته پس او را بنشانند

پس بگویند من ربک یعنی کیست پروردگار تو گوید پروردگار من الله است پس بگویند چیست دین تو

گوید دین من اسلام است پس بگویند چیست این مرد که در میان شما مبعوث شده پس بگوید او رسول الله است

پس بگویند از چه دانستی پس بگوید خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم و تصدیق کردم پس بدهد

آواز دهنده آواز دهنده از آسمان که بنده من راست گفته پس فرش کنید برای او از جنة و بپوشانید او را

از جنة و بکشائید برای او دری بسوی جنة پس آمده باشد او را باد خوشی و خوشبو از جنة و فراخ

کرده شود قبر او تا مد نگاه پس آید نزد او مردی خوش رو پاکیزه لباس خوشبو پس بگوید شاد باش بچیزی

که آسانی کرد خدا ترا این روز تست که وعده کرده شده بودی پس بگوید تو کیستی که روی تو

خوشی و خوبی می آرد پس بگوید من عمل نیک توام پس بگوید ای پروردگار قیامت قائم کن تا رجوع

سپس نهم ببوی اهل دنیا انجز خبر محمود رسول صلی الله علیه وسلم و بدرستی که بنده کافر را وقت مرگ ملکی سیاه رو آیند
با آنها مسوح باشند یعنی پوستهای از آهن از دوزخ پس بنشینند ملکه نزد او تا مدتی نگاه پس آید ملک الموت
و بنشیند نزد سر او پس بگوید برای نفس خبیث بسوی غضب خدا پس متفرق شود روح او در بدن او
پس بکشند آنرا چنانچه کشیده شود سیخ از پشم تر پس میگیرد ملک الموت اورا پس نمیگذارند اورا
ملکه عذاب در دست او طرفة العین تا که میکنند اورا در مسوح و بر می آید از وی بو مانند بدترین بوی
مردار پس می برند اورا بسوی آسمان پس نمیگذرد بر جماعتی از ملکه مگر آنکه میگویند که چه روح خبیث است
پس میگویند فلان بن فلان است به بدترین نامهای او که در دنیا بود تا که بسوی آسمان می برند پس
گشاده نشود برای او دروازه آسمان و رسول کریم این آیه خواند لا تفتح لهم ابواب السماء پس اورا
انداخته شود از آنجا انداختنی و آنحضرت صلی الله علیه وسلم این آیه خواند فکانما خر من السماء
فتخطفه الطیر او تهوی به الریح فی مکان سحیق پس باز گردانیده شود روح او در بدن او
پس او و بیایند اورا دو فرشته پس بنشانند اورا و بگویند از وی هر سه سوال گذشته و او هر بار
گوید هاه هاه نمیدانم پس آواز کند آواز کننده از آسمان که دروغ گفته این بنده من پس فرش
کنید برای او از آتش و بپوشانند اورا از آتش و بکشایند برای او دری بسوی دوزخ پس آمده باشد
اورا گرمی و باد زهر آلوده دوزخ و تنگ شود بر وی قبر تا که با یکدیگر شوند استخوان سینه و بیاید
اورا هیچ بدرو بد پارچه بد بوی پس بگوید بشارت باد ترا بچیزی که ناخوش کند ترا این روزیست که وعده کرده

یعنی گشاده نشود برای ایشان درهای آسمان

ای گویا که افتاده پس ربود اورا مرغ و باز انداخت اورا باد تند در مکان دور

شنوده بود در قبر پس بگوید تو کیستی که روی تو بد و ناخوشبویی می آرد پس گوید که من اعمال بد توام پس

بگوید ای پروردگار قیامت قایم مکن و ابو یعلی و ابن ابی الدنیا از تمیم الداری از انحضرت صلی الله علیه وسلم

روایت کرده که فرمود که حق تعالی ملک الموت را بفرماید که برو بسوی دوست من او را بیار بر من پس بدرستی

که من او را امتحان کردم بخوشی و ناخوشی پس یافتم او را دوست تر پس بیار او را تا راحت کنم او را

از رنجها و غمهاء دنیا پس آید ملک الموت با پانصد فرشته با ایشان کفنها و خوشبوها از بهشت باشد و با

ایشان باشد دسته ها از ریحان بیخ ریحانه یکی باشد و بر سرش بیست رنگ باشند هر رنگ را بوی علیحده

و با ایشان حریر سفید باشد در آن مشک اذفر بنشینند ملک الموت نزد سر او و گرداگرد شوند ملائکه ها فرشته

و دست نهند بر عضوی از اعضای او و نهند و بگسترانند آن حریر و مشک زیر ذقن او و کشاده شود

برای او دری سوی بهشت و نفس خوش او را بتحفه های بهشت گاهی با ازواج و گاهی بپوشاک

و گاهی بمیوه ها چنانچه طفلان را چون میگریند بچیزها خوش مشغول میسازند و ازواج او بعضی در بهشت

اشتیاق کنند او را و چلدر و چندکی کنند روح او و ملک الموت میگوید برآ ای روح پاک بسوی سدره

مخضود یعنی کناری خار و طلح منضود یعنی درخت بافته از برگ که شاخ او کنگره برگ دیده شود و

ظل ممدود یعنی سایه دراز و ماء مسکوب یعنی آب های روان فرمود آنحضرت که ملک الموت با میت

لطف کند چنانچه والده با ولد کند از بهر آنکه میداند که این روح محبوب است نزد خدا و کریم است نزد وی

از لطف کردن با آن روح ملک الموت رضا خدا از خود میخواهد پس بکشد روح او را چنانچه موی از

خمیر

خیر کشیده شود و چون روح بر آید ملائکه گرد او بگویند سلام علیکم طبتم فادخلوا الجنة بما کنتم تعملون

یعنی پاکی است شما را داخل بهشت شوید باعمال خود پس چون ملک الموت روح را قبض کند روح مر جسد را

بگوید حق تعالی ترا جزای خیر دهد بودی تو بمن چابک بسوی فرمان برداری خدا و دور از معصیت او پس

گوارا باد ترا که نجات یافتی و نجات دادی مرا و جسد روح را همچنین گوید و بقعه‌های زمین که آنجا عبادت

میکرد بروی گریه کنند و درهای آسمان که از آن عمل او بالا میرفت و رزق او از آنجا فرود می آمد

تا چهل روز بروی گریه کنند و بعد قبض روح آن پانصد فرشته نزد جسد او باشند هرگاه بنی آدم آن

مرده را از پهلو به پهلو کنند آن فرشتگان او را پیشتر از ایشان از پهلو به پهلو گردانند و کفن او را و حنوط

رسانند پیشتر از آنکه آدمیان رسانند و استاده شوند از دروازه او تا قبر دو صف از ملائکه استقبال

کنند برای او با استغفار پس آنزمان ابلیس آواز کند بفریاد که بشکافد ازان او از بعض استخوان

جسد و بگوید لشکر خود را هلاکی است شما را چگونه خلاص شد این بنده از شما پس بگویند که این مرد

معصوم بود یعنی خدا او را نگاه داشته پس وقتیکه روح او را بسوی آسمان برند استقبال کنند او را

جبرئیل علیه السلام در هفتاد هزار ملائکه هر یک ازان او را بشارت دهند از پروردگار او پس چون ملک الموت

او را بعرش رساند آن روح بسجده رود برای پروردگار او پس بفرماید حق تعالی ملک الموت را که ببر بنده مرا

پس بدار او را در سدر مخضود و طلح منضود و ظل ممدود و ماء مسکوب پس وقتیکه نهاده شود آن مرده

در قبر پس آید نماز باشد بر یمین او و روزه بر یسار او و قرآن و ذکر نزد سر او و رفتار او برای نماز نزد

بر دو بیار او و صبر نزد گوشه قبر او و بفرستد الله تعالی گردنی از عذاب یعنی بسبب بعضی معاصی که از وی صادر

شده باشد پیش آید او را از جانب یمین پس او را نماز گوید دفع کرده است ترا این بنده قسم بخدا که این بنده

رنج کشیده است تمام عمر و راحت نیافته است مگر حالا که در قبر نهاده شده پس از جانب چپ آید روزه همچنین گوید

پس از جانب سر آید همچنین گفته شود پس از هیچ جانب عذاب بسوی او راه نیابد و صبر دیگر اعمال را بگوید

که من بذات خود مانع نشدم از آنجا که شما کفایت کردید اگر شما عاجز میشدید من یاری او میکردم حالا

من ذخیره او هستم نزد صراط و میزان و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم و بفرستد حق تعالی دو فرشته

که بصر آنها مانند برق رباینده باشد و آواز شان مثل رعد و دندانهای شان مثل شاخ گاو و دم آنها

مانند شعله آتش و درمیان هر دو شانه او چندین بعد و مسافه باشد از دل آنها حق تعالی رحمت دور کرده

مگر بر مسلمانان نام یکی منکر و نام دیگری نکیر در دست هر یک از آنها گرز باشد از آهن که اگر جن و انس

جمع شوند آنرا حرکت نتوانند داد پس بگویند او را بنشین پس بنشیند در قبر خود و فرو افتد کفن از

او پس بگویند کیست پروردگار تو و چیست دین تو و کیست نبی تو گوید پروردگار من الله است

وحده لا شریک له و دین من اسلام است و نبی من محمد است علیه الصلوة والسلام خاتم النبیین

پس بگویند راست گفتی پس قبر او را از هر سو فراخ کنند و بگویند ببین بالای خود پس ببیند

بهشت را و گویند این خانه تست ای ولی خدا بسبب فرمان برداری حق تعالی فرمود رسول صلی الله

علیه وسلم پس قسم بکسی که جان من در دست اوست که در دل آن مرده بقیمی فرحت رسد که هرگز

دوراو

دور شود پس بگوید که ببینی زبر خود پس دوزخ را ببند و بگوید ای ولی خدا نجات یافتی از این
فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که قسم بکسی که جان من در دست اوست او را بقبض فرح نزول رسد که
کاهر دور شود و کن ده شود برای او هفتاد و هفت در بود جنس که آورده باشد او را از آنجا خو
و راحت تا که برخیزاند او را حق تعالی از قبر او و بگوید حق تعالی ملک الموت را که برو بسوی دشمن من پس
بیار او را پس بدرستی که من فراخ کردم رزق او و راحت او بنعمت خود پس نکرد بجز نافرمانی من پس
بیار او را تا انتقام گیرم از وی پس آید ملک الموت در بدترین صورتی که ندیده باشد کسی از مردم
کاهر باشد او را دوازده چشم و با او سیخی باشد از آتش بسیار خاردار و با او پانصد فرشته باشند با ایشان
دود آتش باشد و بر کاله‌ها از آتش دوزخ و با ایشان تازیانه‌ها باشد از آتش افروخته پس بزنند
او را ملک الموت بدان سیخ بیخی غائب شود هر خار از آن سیخ خاردار در هر موی و در هر رگ او
پس سخت بکشد آنرا سخت پس بکشد روح او را از ناخنهای پای او پس بیندازد آنرا در پاشنه‌های او
پس بیهوش شود عدو الله و بزنند فرشتگان روی و پشت او را با آن تازیانه‌ها پس تجلی بکند
روح تا بند ازار او پس تا سینه او پس تا حلق و کشند ملائکه آن دخان سوزان و آتش دوزخ
زیر حلق او و بگوید ملک الموت بر آی ای نفس لعین ملعون بسوی سموم یعنی باد زهر آلوده و حمیم یعنی
آب کمال سوزان و ظل من یحموم لا بارد و لا کریم و سایه از دخان نهایت سیاه نه سرد و نه مفید و
چون قبض کند ملک الموت روح را روح گوید جسد را و جسد گوید روح را جزا دهد خدا ترا بد بودن تو جلد

بسوی معصیت و در تنگ وی طاعت پس هلاک شدی تو و هلاک کردی مرا و لعنت کند او را
بقعه های زمین که بر آن گناه میکرد و لشکر ابلیس خوش شوند خبر دهند ابلیس را آگاه که وارد کردیم
یکی از بنی آدم را در دوزخ پس چون نهاده شود در قبر تنگ شود بر وی قبر تا که
هم دیگر شوند استخوان سینه او و بفرستد حق تعالی مارهای سیاه را پس بگیرد از انگشتهای
پای پس بخورد آنرا تا که رسد در کمر او و بفرستد حق بسوی وی منکر و نکیر را و بپرسند
از پروردگار و دین و نبی او و گوید او نمی دانم پس گفته شود او را ندانستی و نه
پیروی کردی پس بزنند او را بقمعه که بپرند شراره های آتش در قبر او باز درست گردد
و گویند بنگر بالای تو پس ببیند بهشت را و گویند ای دشمن خدا اگر فرمانبرداری خدا میکردی
این خانه تو میشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم قسم بکسی که جان من در دست اوست که رسد
او را حسرتی که دور نشود از وی هرگز و گشاده شود برای او دروازه بسوی دوزخ و گفته شود اینست جای تو
بنگر بجای خود که داده شود برای او هفتاد و هفت در بسوی دوزخ [illegible] او را گرمی
و باد زهرآلوده تا که برخیزد او را حق تعالی از قیامت بسوی دوزخ آنچه در بیان آمده
که ملک الموت نعمتهای بهشت نموده بنده مومن را رغبت میدهد و مثل طفلان او را خوش
میسازد بعضی دوستان خدا آن نعمتها سر فرو نمی آرند و دیدار حق میخواهند نقل است از شیخ ابو
رحمة الله علیه وقت مرگ چون نعمتهای بهشت دید بر آشفت و گفت شعر ان کان منزلتی فی الحب

عندکم

عندکم ما قد رایت فقد ضیعت ایامی یعنی اگر هست مرتبه من در محبت نزد شما آنچه من دیدم پس بدرستیکه
من عمر خود را ضایع کردم حق تعالی لذا داد خمار دم پس چه میخواهی گفت شعر اروم وقد طال المدی منک نظرة
وکم من دماء دون مرمای طلت یعنی میخواهم و بدرستیکه دراز شده است مدت خواهش از تو
دیداری و بسیار خونها نزد این آرزو ریخته شده اند از زمان حق بروی تجلی فرمود و جان بزرگ جان
بحق تسلیم نمود همچنین شاه شرف الدین ابو علی قلندر پانی پتی رحمة الله علیه گفته شعر گر بیاید ملک الموت که جانم ببرد
تا نبینم رخ تو روح رسیدن ندهم لیکن از کلام حضرت ایشان قیوم ربانی مجدد الف ثانی رضی الله عنه
چنان مستفاد میشود که اینچنین خواهش و کلمات گفتن و تمنای بهشت را بخاطر نیاوردن از تقاضای
سکر است اصحاب صحو آنچه نعمتهای بهشت است و غیره نعمای مجید دلیل مرضیات حق است ازانرا بر چشم
از کمال ادب می نهند و میدانند که دیدار خدا درین نشأة متصور نیست موعود بر جنت است
آنجا جسد و بصر را حق تعالی قوتی دیگر خواهد داد که طاقت برداشت رویت خواهند داشت
موسی علیه السلام پیغمبر اولی العزم طاقت رویة نداشت و مخاطب بلن ترانی شد و خر
موسی صعقا اینجا اگر هست رویة قلبی است نه رویة بصری و رویة قلبی بعالم مثال
تعلق دارد چنانچه حضرت قلندر میفرماید شعر غیرت از چشم برم روی تو دیدن ندهم
گوش را نیز حدیث تو شنیدن ندهم یعنی اینجا آنچه هست بچشم دل و گوش دل است
نه بچشم و گوش سر والله اعلم بحقیقة دیگر انرا کل البرق است آنحضرات را دایمی است دیگر

باید دانست که در قرآن و حدیث احوال مومنان کامل و احوال کافران و منافقان مذکور است
و احوال مومنان فاسق متوسطان کم تر مذکور است بمقایسه در یافت میشود بدو وجه یکی آنکه
در وقت رسول صلی الله علیه وسلم صحابه همه مومنان کامل بوده اند یا کفار یا منافق بوده اند دوم
آنکه احوال متوسطان بسیار مختلف است نظر بر کثرت جرایم و قلت آن و قوت ایمان و ضعف آن
دیگر باید دانست فصل در حق شهید طبرانی و عبد بن حمید بسند ثقات روایت کرده از عبد الله
بن عمر که گفت وقتیکه بنده در راه حق تعالی قتل کرده شود اول قطره خون او که بر زمین افتد
گناهان او بخشیده شود پس پارچه از بهشت آید و نفس او در آن کرده شود و او را جسدی
از بهشت آید در آن مرکب کرده شود روح او پس با ملائکه سوی آسمان رود با ملائکه باشد
گویا که از اول خلقت با فرشتگان بود تا آنکه او را بحضور رحمان حاضر سازند پس سجده کند
پیش از ملائکه و ملائکه بعد از آن بسجده روند پس حکم شود که با شهیدان گروه شود پس آنها باشند
در چمن های سبز و قبه های حریر نزد ایشان گاو باشد و ماهی باشد ماهی بخورد از هر نوع
خوشبو از انهار بهشت و چون شام شود گاو آن ماهی را بسکم بدرد و صباح خورد و پاک کند
آنرا پس بخورند شهیدان ماهی و یابند در گوشت او هر بوی خوش از انهار بهشت
و شبانگاه گاو چریده باشد در بهشت از میوه ها پس چون صبح شود ماهی بروی آید و ذبح کند او را
بدم خود پس بخورند شهیدان گوشت او و یابند از و لذت میوه بهشت و ببینند شهیدان خانه های خود

در بهشت درخواست کنند از حق تعالی بقیام قیامت در دیگر قصه قبض روح و احوال قبر مومن و کافر مثل
حدیث گذشته و درین حدیث هم آمده و از کعب احبار در تفسیر قوله تعالی ان کتاب الابرار لفی علیین ابن مبارک
روایت کرده که روح مومن چون بعرش میرسد بر آورده میشود برای او از زیر عرش رقعه پس مهر کرده شود و نوشته شود
و نهاده شود زیر عرش برای نجات او روز حساب قیامت علیین عبارت از زیر عرش است و در قوله تعالی ان کتاب الفجار
لفی سجین گفته که روح کافر چون بسوی آسمان برده شود آسمان آن را قبول نکند انداخته شود بسوی زمین زمین
او را هم قبول نکند پس انداخته شود زیر هفت زمین رسانیده شود تا سجین پس بر آورده شود برای او از آنجا رقعه
پس مهر کرده شود برای او و نهاده شود زیر خد ابلیس که خدگاه ابلیس است صاحب قاموس گفته سجین وادیست در
جهنم یا سنگی است زیر زمین هفتم و ابن ابی شیبه از ابو هریره روایت کرده که چون روح مسلمان قبض کرده شود تا که میبیند بشری
بهشت و بعد موت آن مرده آواز کند بنعیم که در خانه از صغیر و کبیر جاندار هر که باشد آواز او بشنوند مگر جن و انس بگوید
جلد رسانید مرا یا ارحم الراحمین پس چون بر جنازه نهاده شود بگوید چه قدر دیر میروید پس چون در لحد داخل کرده شود
نشانیده شود و جای خود در بهشت ببیند بگوید ای پروردگار داخل کن برادران حکم شود هنوز وقت آن نرسیده
هر سبب تر ادیگر برادران و خواهران اند هنوز مانده اند و لیکن خواب کن خوش و خرم گفت ابو هریره بقاسم قسم بخدا
که نخوابد انکس خوابی کوتاه تر و شیرین تر که هیچکس آن قسم نخفته باشد تا که بردارد سر خود را بسوی بهشت روز قیامت
حضرت فرمودند میگوید گر نصیب دشته مرا وصل تو از عنایه شوق تا قیامت شود صحیح دمیش ندهم و ابن مردویه و ابن منده
از ابن عباس روایت کرده در حدیث طویل در حال مومن که درهای آسمان برای او گشاده شود و رحمت نوشته سند فرشته

در هر آسمان تا که رسد بملک چهارم بگوید جبار تعالی مر جبار روح پاک و جسدی که از وی بر آمده و بفرماید که او را

در بهشت داخل کرده خانه او بنمایند پس او را بسوی زمین ببرند پس فرود آرند او را در مقدار زمانی که مردم از

غسل و کفن او فارغ شوند و داخل کنند آن روح را در جسد و کفن او و طبرانی از میمونه بنت سعد روایت کرده که گفته پرسیدم

یا رسول الله جنب خواب کند فرمود دوست نمیدارم که خواب کند فرمود دوست نمیدارم که خواب کنند تا که وضو نکنند میترسم

که بمیرد و جبرئیل بر وی حاضر نشود و ابن ابی شیبه و ابن ابی الدنیا وغیره از یزید بن شجره صحابی روایت کرده که

نمی میرد کسی مگر آنکه نموده میشوند او را صورة همنشینان اگر از اهل لهو است صورة اهل لهو و اگر اهل

ذکر است صورة اهل ذکر و ابن ماجه از ابو موسی روایت کرده که پرسیدم از آنحضرت که شناختن بنده از مردم کی منقطع

میشود فرمود وقتیکه می بیند یعنی ملک الموت و ملائکه را و در صحیحین از عباده بن الصامت رضی الله عنه مروی است

که نبی صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که ملاقات خدا دوست دارد خدا ملاقات او دوست دارد و هر که ملاقات خدا

مکروه دارد خدا ملاقات او مکروه دارد عائشه گفت یا [illegible] ما مردن را مکروه میداریم فرمود مراد من این نیست لیکن

مسلمانان را وقت حضور موت خوشی خبری داده میشود برضامندی خدا و کرامت داشتن او پس نباشد او را چیزی

محبوب تر از آنچه پیش آید او را یعنی موت و خدا دوست دارد ملاقات او را و چون کافر را مرگ پیش آید خبر

داده میشود بعذاب خدا پس هیچ چیز او را مکروه تر نباشد از ملاقات خدا پس مکروه دارد حق تعالی ملاقات او را و ابن جریر

و ابن المنذر از ابن جریج روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و سلم ای عائشه وقتیکه ببیند مسلمان ملائکه را گویند

او را ملائکه ترا باز گردانیم بسوی دنیا گوید که مرا بجانب غم و حزن بفرستند مرا بسوی خدا ببرید و کافر بگوید ای پروردگار

ارجعون

مرا باز بسوی دنیا باز گردان تا کاری عمل صالح کنم در آنچه ترک کردم و ابو نعیم از سلمان فارسی از آنحضرت روایه
کرده که اول مسلمان را در قبر او خوشی خبر داده شود بر مانندی خدا او بهشت و گفته شود خوشی آمدی حق تعالی
بخشیده کسانی را که همراه جنازه تو تا قبر تو متابعه کرده و ابو نعیم از مجاهد روایه کرده که مسلمان را خوشی خبر
داده شود به صالح بودن فرزند او بعد او برای سرور چشم او و احمد و ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر از آنحضرت
روایه کرده که فرمود که حق تعالی قبول میکند توبه بنده تا که جان او قریب بر گلو رسد فصل روح میت مومن
با دیگر ارواح مومنان ملاقات میکنند چنانچه طبرانی در اوسط از ابی ایوب انصاری رضی الله عنه روایه
کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که روح مسلمان وقتیکه قبض کرده میشود ملاقات میکنند با وی اهل رحمه از
بندگان خدا چنانچه در دنیا از کسی که می آید ملاقات میکنند و باهم بگویند که فرصت دهید یار خود را تا که آرام
گیرد بدرستیکه او در حال عذاب و شدة بود پس از او پرسند که چه میکنند فلان و فلان پس وقتیکه بگوید که او پیش
از من مرده است پس ایشان افسوس کنند و انا لله و انا الیه راجعون گویند گویند او را برده شد بسوی هاویه
یعنی دوزخ و فرمود صلی الله علیه وسلم که اعمال شما گفته میشود اقربا و قبیله شما را که پیشتر مرده اند یعنی آنکه از
اهل قبر اند پس اگر عمل نیک می باشد خوشی میشوند و میگویند که الهی این فضل تست پس تمام کن نعمة خود را بر وی
و موت ده او را بر اینچنین اعمال و اگر عمل بد می باشد میگویند که الهی او را توفیق عمل نیک ده تا تو از وی راضی شوی
بدان و قریب کند او را بسوی تو و در ملاقات کردن مردگان که پیشتر مرده اند خوشی شدن آنها بملاقات مرده
حالی و استقبال کردن پسر که پیشتر مرده باشد پدر را چنانچه غائب را استقبال میکنند و احادیث دیگر هم آمده

فصل احمد و طبرانی از ابی سعید خدری روایة کرده که نبی صلی الله علیه وسلم فرموده که میت می شناسد کسی را که او را

غسل میدهد و می بردارد و کفن میدهد و در قبر فرود می آرد او را و ابن ابی الدنیا از بکر بن عبدالله مزنی آورده که مرا رسیده

یعنی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که آنچه نزد میت میشود میت آنرا میداند اگر چه اداء بر کلام نمیتواند منع میکرد

از نوحه و مانند آن و ابو الشیخ از آنحضرت روایت کرده که زنی در مسجد جاروب میکرد و مرد و آنحضرت صلی الله

علیه وسلم را علم نشد پس گذشت آنحضرت بر قبر وی و بر قبرش نماز جنازه خواند پستر بقاعد قبر

کرده فرمود که کدام عمل بهتر یافتی مردم گفتند یا رسول الله این میشنود فرمود نیستند شما شنواتر از وی پس فرمود

که این زن جواب داد که جاروب کشی مسجد بهتر یافتم و در صحیحین است از ابی سعید خدری که آنحضرت

صلی الله علیه وسلم فرموده که چون جنازه میت را می برند اگر صالح میباشد میگوید پیش برید مرا و اگر غیر صالح میباشد

میگوید کجا می برید مرا الوای آدمیان هر چیز آواز او می شنود و ابن ابی الدنیا از عمر بن الخطاب از آنحضرت

صلی الله علیه وسلم روایت کرده دو شخص میکنند که میت بر جنازه میگوید ای برادران بردارند نعش غریب نه بیند شما را

حیوة دنیا و باز نکند با شما زمانه چنانچه با من کرده آنچه گذاشتم بر برادران است و جزا دهنده روز قیامت

با من خصومت و محاسبه خواهد کرد و شما همراه من می آیند و گذاشته خواهند رفت فصل ابن عساکر از ابی مسعود

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایة کرده که داؤد علیه السلام گفته الهی چیست جزا آنکه همراه جنازه کند

تا گور برای طلب رضای تو فرمود حق تعالی جزاء او آنست که فرشتگان همراه متابعة او خواهند کرد روز موت او

و رحمة خواهم کرد بر روح او در ارواح فصل و ابن ابی حاتم از علی ابن ابیطالب روایة کرده که چون مسلمان

بکابد

می میرد خاکی که او از زمین وجای بالا رفتن عمل او از آسمان بر وی میگریند و از ابن عباس مرویست که زمین تا
چهل روز بر وی میگرید و شواهد این از سلف بسیار مرویست **فصل** طبرانی از ابن عمر روایت کرده که حبشی در مدینه
مرد و دفن کرده شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود دفن کرده شد در طیبه که از آنجا پیدا کرده بود و اینچنین از
در طیبه
ابی سعید و ابی الدرداء مرویست و ابونعیم از ابوهریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که نیست
هیچ مولود مگر آنکه رخیته شده است بر وی از خاک قبر او یعنی بر نطفه و حکیم در نوادر الاصول از ابن مسعود روایت
کرده که فرشته که موکل است بر رحم میگیرد نطفه از رحم وی نهد بر کف خود و میگوید ای پروردگار مخلقه باشد
یعنی آدم از وی پیدا شود یا غیر مخلقه اگر مخلقه باشد گوید ای پروردگار چیست رزق او چیست جای اقدام او
چیست اجل او چیست عمل او حکم شود ببین در لوح محفوظ از آنجا دریافت کند و بگیرد خاک از زمینی
فصل در منقبت از
که در آن دفن کرده شود و خمیر کند بدان آن نطفه را اینست قوله تعالی منها خلقناکم الآیه
دفن در همسایه صلحا
و ابونعیم از ابوهریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود دفن کنید مردهٔ خود
را در میان قوم صالحان بدرستی میت ایذا میکشد از همسایه بد چنانچه زنده ایذا میکشد و ابن
عساکر از علی و ابن مسعود همچنین روایت کرده و ابن عساکر از ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده که فرمود چون بمیرد یکی از شما نیک کنید کفن او و جلدی کنید در انجاز وصیت او و عمیق کنید
قبر او و دور کنید از همسایه بد گفته شد یا رسول الله همسایه صالح نفع میکند فرمود آری و دیلمی
از ام سلمه همچنین روایت کرده و ابن ابی الدنیا از عبدالله بن نافع مزنی روایت کرده که مردی در مدینه

مرد و دفن کرده شد اینجا پس کسی او را دید که از اهل دوزخ است و غم خورد بر وی بعد هفت روز

دید که او از اهل بهشت است از وی پرسید گفت که دفن کرده شد با من مردی صالح پس شفاعت کرد در چهل

کس از همسایه خود منهم در آن بودم ابن منده از ابن عمر روایت کرده از نبی صلی الله علیه وسلم که چون

مسلمانی میرد هر بقعه زمینی تجمل میکنند و آرزو میکنند که در اینجا دفن شود و چون کافری میرد هر بقعه

میشود و هر بقعه پناه میجوید از خدا که در اینجا دفن نشود باب در آنچه بوقت دفن خوانده شود از ادعیه

طبرانی و بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود چون بمیرد قبر او برسانند

و وقت دفن در قبر او نزد سر او فاتحه و نزد پای او خاتمه سوره بقره خوانند و در روایتی آمده که نزد

سر او آیات اول و آخر سوره بقره خوانند و در روایتی آمده که بگوید اللهم اجره من الشیطان

ومن عذاب القبر و بزار از عائشه رضی الله عنها روایت کرده که بگوید بسم الله وفی سبیل الله وعلی ملة

رسول الله اللهم عبدک نزل بک وانت خیر منزول به خلف الدنیا خلف ظهره فاجعل ما قدم علیه

خیرا مما خلف فانک قلت وما عند الله خیر للابرار و ابن ابی شیبه از انس روایت کرده اللهم

جاف الارض عن جنبیه وافتح ابواب السماء لروحه وابدله دارا خیرا من داره و از جای دیگر آورده

ابواب

اللهم افسح فی قبره ونور له فیه والحقه بنبیه صلی الله علیه وسلم حاصل ادعیه آنکه الهی او را از شیطان

وعذاب قبر در پناه دار و قبر او را فراخ و منور کن و درهای آسمان برای روح او بگشا و خانه آخرة او

بهتر از خانه دنیا کن و او را با پیغمبر صلی الله علیه وسلم لاحق کن الغرض دعا در حق میت کند و از عذاب

قبر

حق طلب مغفرة او نمایید و طبرانی از ابی امامه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایة کرده که چون خاک بر قبر انباشته

شود باید که شخصی بر قبر بایستد و بگوید ای فلان بن فلانه اگر نام مادرش ندانند بگوید ای فلان بن حوا آن مرده خواهد شنید

و جواب نخواهد داد باز گوید ای فلان بن فلانه پس خواهد نشست باز گوید یا فلان بن فلانه آنگاه مرده

خواهد گفت ارشاد کن رحمک الله ارشاد کنند ترا خدا پس بگوید یاد کن آنچه در دنیا بران بودی شهادة

ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و انک رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد نبینا و بالقرآن

اماما پس منکر و نکیر هر یک دست دیگری گرفته بگویند که برویم چه کنیم نزد کسی که او را حجت او تلقین کرده شد

باب در ضغطهٔ قبر ضغطه قبر یعنی تنگ گرفتن او حق است اکثر صالحان را هم میشود الا کسی که باشد حتی

که سعد بن معاذ رضی الله عنه که از کبار صحابه و سابقین اولین انصار است و عرش از وفات او حرکت کرد

و هفتاد هزار فرشته جنازه او را مشایعت کردند او را هم ساعتی ضغطه شده بود و در روایتی آمده که

زینب و رقیه دختران رسول کریم را هم شده و سبب ضغطه بعضی زلتی باشد که کفارهٔ آن بضغطه شود بیهقی از

امیه بن عبدالله روایت کرده که از آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرسیده شد سبب ضغطه سعد بن معاذ رضی الله عنه

فرمود که در طهارت از بول احتیاط تقصیر میکرد و بیهقی وغیره از عائشه روایت کردند که گفت یا رسول الله از

روزیکه حدیث آواز منکر و نکیر و ضغطه قبر فرموده مرا آرام نیست فرمود ای عائشه آواز منکر و نکیر در گوش

مسلمانان چنان باشد که اثمد در چشم و ضغطه قبر مسلمانان چنان باشد که چنانچه پسر پیش مادر مشفقه شکایت

صداع میکند او سر او را در دست میگیرد و نرم میمالد و بعضی علما گفته که عقوبت گناه مسلمان بدو چیز

دور میشود یکی آنکه توبه کنند دوم آنکه طلب مغفرت از خدا نماید سیوم آنکه از عمل صالح که کرده دور میشود چهارم آنکه اورا

در دنیا مصیبت رسید پنجم آنکه در قبر ضغطه شود ششم آنکه دیگر مسلمانان برای او دعا مغفرت کنند هفتم آنکه مسلمانان

ثواب اعمال صالحه بخشند هشتم آنکه در روز قیامت سختی کشد نهم آنکه شفاعت نبی صلی الله علیه وسلم دستگیر فرماید

دهم آنکه رحمت ارحم الراحمین شامل حال او باشد فائده ابو نعیم در حلیه از عبدالله بن شخیر روایت کرده که رسول

خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه در مرض موت قل هو الله احد خواند از فتنه قبر و ضغطه قبر محفوظ باشد و ملائکه

روز قیامت بر دستهای خود برداشته از صراط گذرانیده بجنت رسانند باب اعمال او بصورة انسانی

شده مصاحبت کنند در قبر ابن ابی الدنیا عن عطاء بن یسار وغیره روایت کرده اند که چون مرده را در قبر نهاده

شود اعمال او حاضر شوند بصورة انسانی و بگوید من عمل توام که گذاشتی اهل و اولاد و قبیله خود را

در آنچه خدا ترا داده بود پس نیست چیزی با تو در قبر تو سوای من در اینجا شده پس بگوید کاش ترا

اختیار میکردم بر اهل و اولاد و عشیره خود و بر هر چه خدا مرا عطا کرده بود چون کسی با من خانه گور تو

باب در کلام قبر و عذاب قبر ترمذی حدیث حسن از ابی سعید روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم

بیشتر کنند ذکر شکننده لذتها را که موت است بدرستیکه هیچ روز نمی آید که قبر دران نگوید که من خانه تنهایی

و غربت ام و خانه خاک و کرم و فتنه چون دفن کرده میشود بنده مومن قبر او را مرحبا و اهلا میگوید و میگوید که تو

دوست ترین مردم بودی که بر پشت من میرفتی پس چون والی کرده شدم من امروز بر تو خواهی دید آنچه با تو

سلوک میکنم پس فراخ شود قبر تا مد نگاه و کشاده شود دری بسوی بهشت و چون فاجر یا کافر دفن

کرده

کرده شود گوید قبر لا مرحبا و لا اهلا هر آینه مبغوض‌ترین مردم بودی که بر من میرفتی پس چون والی کرده شدم
من امروز بر تو پس بعد بینی آنچه من با تو میکنم پس بهم بچسبد بروی تا که جابجا یکدیگر شوند استخوان سینه او فرمود
رسول صلی الله علیه و سلم پس مسلط کرده شود برو نود و نه مار اگر یکی از آنها دم زند در زمین نرویاند زمین چیزی
تا که باقی ماند دنیا پس بگزند و نیش زنند آن مارها تا که حکم شود بسوی حساب فرمود صلی الله علیه و سلم قبر چمنی است
از چمنهای بهشت یا غاریست از غارهای دوزخ و درین باب احادیث بسیار اند باب در فتنه قبر
یعنی سوال منکر و نکیر احادیث بسیار وارد شده بتواتر رسیده چنانکه حدیث براء بن عازب و تمیم داری
بالاتر گذشته دیگر احادیث بعضی مختصر و بعضی مطول مرویست و ابن ماجه و غیره از جابر بن عبد الله
روایة کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم وقتیکه مرده را داخل قبر کرده میشود او را آفتاب وقت
غروب متمثل میشود پس می‌نشیند چشمها مالیده میگوید که بگذارید مرا که نماز گذارم و حکیم ترمذی از
سعید بن مسیب روایة کرده که بعضی سوال کرده میشود میت که هر یک شیطان حاضر میشود پس
اشاره بسوی خود میکند که منم پروردگار تو حکیم ترمذی گفته که قول صلی الله علیه و سلم اللهم اجره من الشیطان
تائید این قول میکند فصل در کیفیة سوال اختلاف روایات شده باید که بعضی مردم را از بعض اعتقادات
سوال کرده شود و بعضی از مجموع آن یا راوی در روایة بر بعضی اقتصار کرده و در بعضی روایات است
که در یک مجلس سه بار سوال کرده خواهد شد و از طاوس مرویست که تا هفت روز سوال کرده شود
فایده هر که دفن نکرده شد بر دار کشیده شد یا سوخته شد یا غرق شد یا درنده او را خورد او هم

فصل است برزخ از عالم عبارت قبر نصیب نصیب یا ثواب یا عذاب و سؤال و ضغطه از
ابن عبد البر گفته که سؤال نخواهد شد مگر مؤمن را یا منافق را که منسوب است بدین اسلام بخلاف کافر
مجاهر و قرطبی و ابن قیم میگویند که کافر را هم باشد و سیوطی گفته که محتمل است احتمال صواب است فایده ابن
تیمیه گفته که احادیث متواتره دلالت دارند بر آنکه روح بسوی بدن عود کرده شود وقت سؤال و
بران دلالت دارند که روح را در آنوقت با بدن نوعی علاقه باشد اگرچه بدن متفرق شده یا سوخته
شده و یک طائفه گفته که بدن را بدون روح سؤال کرده شود و جمهور انکار این قول میکنند و ابن کرام
وغیره میگویند که سؤال از روح باشد بغیر بدن فایده بعض محدثین گفته اند که ملائکه سؤال جماعه کثیر اند
بعضی منکر نام دارند و بعضی نکیر بسوی هر مرده دو کس ازان میروند فایده از شقیق بلخی روایت کرده
پنج چیز طلب کردیم در پنج چیز یافتیم ترک گناهان در نماز ضحی و روشنی قبر در نماز تهجد و جواب منکر و
نکیر در قراءة قرآن و عبور از صراط در صوم و صدقه و سایه عرش در خلوت فایده و اصبهانی از انس از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هر که در حالت مستی بمیرد و داخل قبر شود در مستی و در روایتی از وست که ملک الموت
و منکر و نکیر را در حالت مستی بیند فایده بزازی از علماء حنفیه گفته که جائیکه میت قرار میگیرد در آنجا سؤال خواهد بود
اگر درنده خورد در شکم او سؤال شود و اگر تابوت نهاده نقل کرده شود سؤال کرده نشود مگر بعد دفن والله اعلم
باب کسانی که سؤال نشود ایشان را کسی پرسید یا رسول الله چیست که شهید را در قبر فتنه نمیشود یعنی سؤال نخواهد شد
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که کافیست برق شمشیرها بر سر او فتنه طبرانی از ابی ایوب از آنحضرت

قبر نشود

صلی الله

صلی الله علیه وسلم روایت کرده هر که در جنگ کفار ثابت قدم باشد تا که غالب شود یا کشته شود او را

در قبر فتنه نباشد و در چند حدیث صحیح آمده که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده مرابطه فی سبیل الله یعنی

کسی که بر دره آمدن کفار برای حفظ بلاد اسلام بنشیند و آنجا بمیرد عمل او همیشه جاری ماند و ملائکه عمل

رباط برای او همیشه نوشته باشند و از فتنه قبر محفوظ باشد و در بعضی زیاده روایت آمده که بروز قیامت

شهید برخیزد و ابن جریر در تفسیر از ابن مسعود روایت کرده که هر که هر شب سوره ملک خواند از فتنه قبر

محفوظ باشد و همچنین از کعب احبار از توریت روایت کرده در حدیث براء بن عازب رضی الله عنه آنحضرت

صلی الله علیه وسلم آورده که هر که الم سجده و سوره ملک بخواند از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد احمد

و ترمذی و غیرهما از ابن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که هر مسلمانی که شب جمعه یا

روز جمعه بمیرد از فتنه قبر محفوظ باشد قرطبی گفته که چون شهید سوال نکرده شود پس صدیق که از او

در قدر رتبت بالاتر است اولی سوال نکرده شود حکیم ترمذی بعدم سوال از صدیقان تصریح کرده

و احادیث مرابط مقتضی هستند که حکم عدم سوال در هر شهیدیست مخصوص غیبت بمقتول

در جنگ اصل کسی که بعد نماز برای انتظار نماز دوم در مسجد نشسته باشد رسول کریم صلی الله علیه وسلم

در حق او نیز فرموده فذلکم الرباط پس وی هم سوال نکرده شود ابو نعیم از جابر روایت کرده که

آنحضرت رسول صلی الله علیه وسلم هر که روز جمعه یا شب جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ باشد و روز قیامت

آید و بر وی علامت شهدا باشد و در روایتی آمده که از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد و

ملاقات کند با خدا در روز حساب نباشد و در روز قیامت آید و با در شهید باشند که شهادت
دهند **باب در ضغطه قبر و هول آن** حاکم و غیره از عثمان روایت کرده که بر قبر ایستاده گریست
تا که ریش او تر شد و گفت که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که قبر اول منزل از منازل
آخرت است هر که ازان نجات یافت بعد او آسان تر است از وی و هر که دران نجات نیافت
بعد از وی سخت تر است از وی و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که ندیده شده هیچ جای مخوف
مگر آنکه قبر از وی شدید تر است و ابن ماجه از براء بن عازب روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه
بر کناره قبر نشست و بگریست تا که زمین تر شد و فرمود که ای برادران من بجای مثل این جا تیاری
کنید و ابن منده از ابن مسعود روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مسافر را
قبر فراخ کرده شود آنقدر که از اهل خود دور است و احمد و نسائی و ابن ماجه از ابن عمر
روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که بمیرد در غیر مولد خود قیاس کرده
از مولد او تا جای قدم او جای او در بهشت باشد و ابن منده از ابو هریره روایت کرده
از آنسرور صلی الله علیه وسلم که فرمود مسلمان در قبر خود در چمن سبز باشد فراخ کرده شود قبر او
هفتاد ذراع و روشن کرده باشد مانند ماه شب چهاردهم و ابن ابی الدنیا [illegible] بن مغیره
گفته که عیسی علیه السلام با حواریان بر قبر بگذشت ذکر کرده شد و ضغطه قبر و تنگی [illegible]
آنرا گفت عیسی علیه السلام بود دیده شما در تنگ تر از ان در شکمهای مادران خود پس [illegible]

و الله حل

خواست خدا فراخ کردن فراخ کرده و دیلمی از ابن عباس و از انس روایة کرده که رسول فرمود صلی الله

علیه وسلم رحیم تر بودن حق تعالی به بنده خود وقتی باشد که بنده داخل قبر شود و مردم و اهل او از وی

متفرق شوند اوّل الحمد الله که در تنهائی حق تعالی قرین و رحیم باشد **شعر** جائی مختصر خواهم که

در وی * همین جای من و جای تو باشد **فصل** دیلمی از علی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

روایة کرده اهل عدل آخرة قبور ست فرق نمیکنند در شریف و رذیل **باب در ثواب مشایعه**

جنازه ابن ابی الدنیا از جابر بن عبد الله از نبی صلی الله علیه وسلم روایة کرده که تحفه مسلمان

آنست که بخشیده شود کسی که بر آید در جنازه او و بخشش روایت کرد ابن ابی الدنیا و بزار

و بیهقی از ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم و در جنازه ابو الشیخ از سلمان فارسی و

حاکم و بیهقی و دیلمی از ابو هریره و حکیم ترمذی از انس روایة کرد **باب اسباب نور و زینت قبر و تاریکی**

قبر مسلم از ابو هریره روایت کرد که این قبور پر هستند از تاریکی و حق تعالی آنرا

روشن میکند بصلوة من بر وی تحقیق که مراد آن باشد که هر که بر من درود فرستد من بر وی درود

فرستم قبر او روشن شود و دیلمی از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم خندیدن

در مسجد تاریکی باشد در قبر و ابن ابی الدنیا از سری بن مخلد روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم

ابو ذر را فرمود که اگر اراده سفر کنی البته سامان سفر مهیا سازی پس چگونه باشد سفر راه

قیامت آیا آگاه سازم ترا بدانچه نفع کند ترا آنروز گفت آری پدر و مادرم فدایت

فرمود در بهشت که ماروزه داشتن برای روز قیامت مفید است و در تاریکی شب دو رکعت
گذاردن برای وحشت قبر و ابو نعیم از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که صد بار هر روز بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین کان له امانا من الفقر
یعنی باشد او را امن از فقر و آتش در قبر و کشاده شود برای او درهای بهشت و دیلمی از
ابن عباس روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که عالم بمیرد حق تعالی علم او را صورة
دهد که در قبر مونس او باشد تا روز قیامت و دفع کند از وی هوام ارض را و ابن
عبد البر از کعب احبار روایت کرده که حق تعالی وحی کرد بسوی موسی علیه السلام که علم دین
بگیر و مردم را بیاموز که من منور کنم علم دهنده و علم گیرنده را قبور ایشان تا که وحشت نیابند
از جای خود و ابو الشیخ و ابن ابی الدنیا از جعفر صادق از پدر از جد او روایت کرده
که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که داخل نگردد بر مسلمانی خوشی مگر آنکه پیدا میکند حق تعالی
از آن خوشی فرشته که عبادة خدا و توحید کند او را و چون آن بنده در قبر شود آید آن سرور پس
بگوید که مرا میشناسی پس گوید که تو کیستی گوید من آن سرورم که داخل کردی در تو بر فلان
کس امروز من ترا انس میدهم از وحشت تو و مرا آموزم ترا حجة تو و ثابت کنم ترا بقول ثابت
یعنی بر جواب منکر نکیر و حاضر شوم جاهای حضور روز قیامت و شفاعت کنم برای تو و جای
جای تو از بهشت و ابن منده از ابی کاهل روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم برای

از ابی کاهل

ای ابی کاهلی آنکه بدرستی که باز دارد ایذا از مردم باشد حق بر خدا که باز دارد از وی ایذاء قبر

و در ابو الفضل طوسی از عمر رضی الله عنه از آنحضرت روایة کرده که هر که روشنی کند در مساجد خدا روشنی

کند خدا در قبر او و هر که خوشبو کند در مسجد داخل کند حق تعالی در قبر او خوشبو و خوشی بهشت **باب در حساب**

در قبر حکیم ترمذی از حذیفه روایة کرده که گفت که در قبر حساب خواهد شد و هم در آخرة حساب

خواهد شد هر که در قبر حساب کرده شد نجاة یافت و هر که روز قیامت حساب کرده شد عذاب کرده شد و احمد

از عایشه روایة کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم حساب نکرده خواهد روز قیامت کسی پس بخشیده

شود او را بینه مسلمان عمل خود در قبر و ابن عساکر در تاریخ روایة کرده که گفت قسم بکسی که جان من

در دست اوست نمیرد مردی که در دل او مقدار حبه باشد از دوستی کسیکه عثمان را قتل کرده

مگر آنکه او تابع شود دجال را و تیکه دریابد او را و اگر او را در نیابد ایمان آرد بوی در قبر خود **باب**

در عذاب قبر عذاب قبر حق است رواه البخاری عن عایشه عنه صلی الله علیه وسلم در باب

آن احادیث بسیار وارد شده رسول صلی الله علیه وسلم گفته اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر

رواه البخاری عن ابی هریرة و فرموده مردگان چون در قبور عذاب کرده میشوند بهایم آواز می شنوند

و احمد و ابو یعلی از ابی سعید خدری روایة کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مسلط کرده خواهد

بر کافر نود و نه اژدها که بگزند او را تا روز قیامت و در حدیثی احمد از عایشه روایت که

مسلط کرده شود بر کافر دو مار یکی از جانب سر و دویم از جانب پای بگزند او را تا روز قیامت

و در صحیحین از ابن عباس روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر دو قبر گذشتند و فرمودند که
این هر دو عذاب کرده میشوند و معذب نیستند در کاری بزرگ یکی از اینها از بول تنزه یعنی احتیاط
نمیکرد و دوم میرفت بنمیمه یعنی سخن یکی به دیگری میرسانید تا در اینها خوب پیش آید پس گرفت
شاخی تر و آنرا دو پاره کرد و بر هر یک قبر یکی نهاد گفتند یا رسول الله این کار چرا کردی فرمود که شاید
تخفیف شود از اینها تا که خشک نشوند و ابن ابی الدنیا و بیهقی از میمونه روایه کرده که گفت نبی صلی الله
علیه و سلم ای میمونه از عذاب قبر بخدا پناه جو و بدرستی که سخت عذاب قبر بسبب غیبة و بول است
و در دیگر چند حدیث آمده عذاب قبر بسبب غیبة و نمیمه و عدم احتیاط از بول بیشتر میشود
و طحاوی و ابو الشیخ از ابن مسعود رضی الله عنه روایه کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
حکم شد برای یک بنده که او را در قبر صد دره زده شود پس آن سوال و دعا میکرد تا
آنکه یک دره ماند پس پر شد قبر او از آتش پس هرگاه عذاب از او مرتفع شد بهوش آمد
و گفت که برای چه چیز مرا دره زدید گفتند که تو نماز بی وضو گذارده بودی و بر مظلوم
گذشته بودی و مددگاری مظلوم نکرده بودی و در بعض روایات ابن ابی شیبه و غیره آمده
که او گفت برای چه مرا دره زدند من خود ورع و تقوی داشتم و این [illegible]
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هر که کسی را از اصحاب من بد گوید [illegible]
مسلط کند بر وی جانوری که قطع کند گوشت او را تا بدرد آید او تا روز قیامة و ابن عساکر

از دا

از واثله بن الاسقع روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که اگر قدریه یا مرجیه مرده باشد
پس اگر بعد سه روز قبر او را کشاده دیده شود دیده شود روی او برگشته از جانب قبله و ابن
ابی الدنیا از ابی اسحق فزاری روایت کرده که مردی پیش او آمد و گفت که من کفن دزدی میکردم
و میدیدم بعض مردم را برگشته روی ایشان از قبله ابو اسحق این قصه به اوزاعی نوشت اوزاعی
گفت آن کسانند که مردند بر خلاف مذهب اهل سنت و جماعت و عمر بن میمون از عمر بن عبد العزیز
مرد لیکن روایت کرده که بودم من در کسانیکه ولید بن عبد الملک را دفن کردند پس دیدم که
هر دو زانوی او تا گردن او بسته شدند پس عمر بن عبد العزیز پند گرفت یعنی توبه کرد
از آنچه مروانیان در حق امیر المؤمنین علی میگفتند و ابن ابی الدنیا از مفضل بن یونس روایت
کرده که عمر بن عبد العزیز مسلم بن عبد الملک را پرسید که پدر ترا و برادر تو ولید را که دفن
کرده بود گفت فلان کس عتیق حبشی گفت مرا حدیث کرد فلان کس که چون من ایشان را
در قبر نهادم و بستم تا کپره از کفن بکشایم دیدم روی ایشان برگشته بسوی پشت

باب در انقطاع عذاب قبر

عذاب قبر از کفار منقطع نمیشود و بعض گفته اند که روز جمعه و ماه رمضان منقطع میشود
این جمله مردود است از آیات و احادیث ابن قیم گفته که عذاب کفار و بعض مسلمانان عاصی در قبر
منقطع نشود و بعض گناهکاران را بقدر گناه عذاب شود پستر منقطع گردد از اعمال مردم بدعا
و شفاعت دیگر مسلمانان منقطع شود و یا می گفته که روز جمعه و شب جمعه منقطع باشد نسفی گفته

باز عود نکند یعنی عذاب تا یک جمعه شود اگر شود لیکن حدیث بر آن دلالت دارد که زیاده از یکهفته هم
عذاب باشد چنانچه در حدیث نهادن حضرت شاخ سبز بر دو قبر گذشته آنها از مدتی زیاده از یکهفته مدفون
بودند ابو یعلی از انس و بیهقی از عکرمه بن خالد روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که در روز جمعه بمیرد
از عذاب قبر محفوظ باشد **باب کسی که در قبر معذب نباشد** ترمذی و ابن ماجه و بیهقی از سلیمان بن صرد و خالد
بن عرفطه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که از شکم مرد عذاب قبر نکرده شود یعنی از جریان شکم
از ابن مسعود و ابن عباس وغیره بچند طرق مرویست که خواندن سوره ملک هر شب از عذاب قبر نجات دهنده هم
صحابه در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم سورة الملک را مانع از عذاب قبر میگفتند و دارمی از خالد بن معدان
روایت کرده که الم تنزیل السجده از طرف صاحب خود در قبر مجادله خواهد کرد خواهد گفت الهی اگر من از کتاب
تو ام شفاعت من قبول کن و اگر نه مرا از کتاب خود دور کن مانند پرنده مرده را زیر بازوهای خود گیرد
و شفاعت کند و از عذاب قبر محفوظ دارد و همچنین تبارک الملک دارمی و ترمذی از جابر روایت کرده
که رسول صلی الله علیه وسلم نمی خفت تا که سوره الم تنزیل و سوره ملک نمی خواند اصبهانی در ترغیب از ابن عباس
روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که شب جمعه بعد مغرب دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت فاتحه یکبار
و اذا زلزلت الارض پانزده بار خواند سکرات موت بر وی آسان شود و از عذاب قبر محفوظ باشد
و گذر بر صراط روز قیامت آسان شود و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که آیة الکرسی بعد هر نماز خواند
هیچ چیز او را از دخول جنت مانع نباشد مگر موت این حدیث را نسائی و ابن حبان و ابن مردویه و

دار قطنی

باب فصل دارقطنی از ابی امامه و بیهقی از علی و از حدیث صلصال بن الدلهمس روایه کرده
طبرانی و اصبهانی از ابن عمر روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر اهل لا اله الا الله وحشت
نباشد نه وقت مرگ و نه در قبر و نه در وقت بعث اقول این حدیث اگر بر عموم داشته شود گفته شود
که هر قدر که وحشت کفار را باشد البته مسلمانان را نباشد و نفی مطلق وحشت نتوان کرد بسبب تعارض
دیگر احادیث که بر عذاب قبر عصاة مومنین دلالت دارند و ظاهر آنست که مراد از اهل لا اله الا الله کسانند
که بفنا و بقا مشرف شده اند و در ساحت سینه شان غیر از ذات پاک هیچ مقصود نمانده چرا که عبادت
عبارتست از کمال تذلل پیش معبود و شک نیست که هرچه مقصود کسی باشد آنکس برای حصول مقصود
خود کمال تذلل اختیار میکند پس هرچه مقصود او است معبود اوست معنی لا مقصود الا الله و لا معبود
الا الله بیکجا می رسد و چون مقصود او جز ذات پاک هیچ نماند از رقبه ماسوی الله آزاد شد و از شرک خفی
پاک گشت و او را در حالت حیات انس و رغبت با خدا باشد نه با هیچکس او را خلوت در انجمن هم رسید
یعنی او وجود یکه در انبوه باشد باطنش مشغول است بخدا نه بکسی دیگر لا یؤمن احدکم حتی یکون الناس
عنده کالاباعر یعنی ایمان کامل نمیشود تا که مردم نزد او مثل اباعر شتر باشند یعنی با هیچکس سر و کار نداشته باشد
پس آن چنین کسی که انبوه او را مانع خلوت نیست اگر چه گاهی انبوه موجب مشوشی میشود او را در تنهائی
بطریق اولی انس است پس او را در قبر از جدائی مردم چرا وحشت باشد بلکه زیاده تر لذت و انس باشد
رباعی آنکس که ترا شناخت جان را چه کند ؛ فرزند و عیال و خانمان را چه کند ؛ دیوانه کنی هر دو

جهانش بخشید دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند بیچاره بهشت را که لابه ای کنند مگر از آنکه مرضی خداست و
دران دیدار خداست و ما مأموریم بطلب او چنانچه مولوی روم میفرماید شعر چون طمع خواهد ز من سلطان
دین، خاک بر فرق قناعت بعد ازین، اللهم ارزقنا حبک وحب من یحبک وحب عمل یقربنا الی حبک

باب انبیاء و اولیاء در قبور خود بنماز و ذکر خدا مشغول و متلذذ باشند در صحیح مسلم از انس مرویست که
رسول صلی الله علیه وسلم در شب معراج بر قبر موسی علیه السلام رسید و او در قبر خود نماز میخواند و ابو یعلی
از انس از آنحضرت روایت کرده صلی الله علیه وسلم که انبیا زنده اند در قبور خود نماز میخوانند و ترمذی
و حاکم و غیره هما از ابن عباس روایت کرده که بعضی اصحاب رسول صلی الله علیه وسلم بر قبری خیمه زد و
نمیدانست که اینجا قبر است ناگاه اینجا انسانی بود سوره ملک میخواند آن صحابی با آنحضرت صلی الله علیه وسلم
خبر کرد آنحضرت فرمود که این سوره مانعه است و نجات دهنده از عذاب قبر حافظ زین الدین گفته
که حق تعالی بعضی را از اهل برزخ کرامت میکند باعمال صالح اگرچه ازان عمل او را ثواب نباشد که
عمل از موت منقطع شده لیکن عملی او برای تو نشست که تنعم و تلذذ کند بذکر خدا چنانچه ملائکه و اهل
بهشت تنعم و تلذذ کنند بذکر خدا چه نفس ذکر از نعیم دنیا بهتر است اگر چه نفس ذکر از نعیم جنت
هم بهتر است پس حصول او که او را ثواب نباشد نمی بینی که عوام از سرود و شعر لذت میگیرند و
حظی بردارند ازان سبب که دران ذکر محبوب ایشان است و خواص که محبوب ایشان بجز حق جل وعلا نیست
لذت و حظ ایشان از ذکر خدا است لا غیر بعضی حدیثی ضعیف روایت کرده از ابن عباس

گذشت

که مسلمان را مصحف داده میشود در قبر تا که بخواند **فصل** و ابن ابی الدنیا از یزید رقاشی روایت کرده
که مرا رسیده است که مسلمان اگر مرد در حالیکه بعض قرآن نخوانده حق تعالی فرشتگان را فرستد تا انچه از قرآن
باقی مانده او را بیاموزند و همچنین از حسن و عطیه عوفی روایت فصل ابن ابی شیبه **فصل** در مصنف از
ابن سیرین روایت کرده که دوست میداشت که مرده را کفن نیکو داده شود و میگفت که مردگان با هم
در کفن خود ملاقات و زیارت بهم کرده میکنند و همچنین ابن عدی از ابوهریره از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده مرفوعا و عقیلی و خطیب از انس و همچنین ترمذی و غیره از ابی قتاده و مراد از نیکو کردن
کفن آنست که از حلال باشد و موافق سنت باشد و سفید پاک و پاکیزه نه انکه بیش قیمت باشد ابوبکر صدیق
چادر کهنه برای کفن خود داده و فرموده که برای پارچه نو زنده مستحق تر است **باب زیارت قبور مرده را کفن نیکو [illegible] باب**
[illegible] ابن ابی الدنیا از عایشه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نیست مردی که زیارت کند
قبر برادر خود را و بنشیند اینجا و سلام گوید مگر انکه مرده جواب سلام او میدهد و همچنین بیهقی و غیره از ابوهریره
روایت کرده مرفوعا و موقوفا در صحیح مسلم از ابوهریره مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم بسوی مقبره
برآمد السلام علیکم دار قوم مومنین و انا ان شاء الله بکم لاحقون گفته و از عایشه مثل آن روایت
کرده یرحم الله المستقدمین منا والمستاخرین و فرمایش و ابن ماجه از بریده از انحضرت همچنان
روایت کرده و بعد لاحقون زیاده کرده انتم لنا فرط و نحن لکم تبع اسأل الله لنا ولکم العافیه
و ترمذی از ابن عباس و طبرانی از علی نحو آن و ابن ابی الدنیا از ابوهریره روایت کرده

یعنی سلام بر شما ای اهل خانه مومنان
و ما ان شاء الله با شما لاحق شونده‌ایم
رحمت کند خدا پیش روندگان
و پس روندگان ما را
شما برای ما پیش رو و ما تابع شماییم
و میخواهیم از خدا برای خود و برای
شما عافیت ۱۲

که هر که داخل مقابر شود و برای آنها از خدا طلب مغفرت کند و بر آنها رحمت کند گویا که نماز جنازه آنها

گزارده **باب در مقر ارواح** در جای قرار ارواح روایات مختلف آمده مالک و نسائی بسند صحیح از کعب بن مالک

روایت کرده که رسول فرموده صلی الله علیه وسلم که روح مسلمان پرنده است متعلق باشد در درخت جنت تا که

رجوع کند بسوی جسد او روز قیامت و احمد و طبرانی از ام هانی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم همچنین

روایت کرده و همچنین ابن عساکر از ام بشر امراة ابی معروف و ابن ماجه و طبرانی در روایتی از ام بشر

آورده که شنیدم از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که میفرمود روح مومن پرنده است سیر میکند در بهشت هر جا که

خواهد و روح کافر در سجین است و طبرانی وغیره از سمره بن جندب از آنحضرت در مسند روایت کرده

که روح مومنان در پرنده سبز باشد سیر کند در بهشت هر جا که خواهد و ارواح کفار در سجین محبوس اند و

در بعض احادیث آمده در حق شهدا آمده ارواح شهدا در شکم پرنده سبز باشد که بچرد در نهرهای جنت

هر جا که خواهد و جای گیرد در قندیلها زیر عرش همچنین مسلم از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

آورده و ابو داود و حاکم وغیرهما از ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم در حق شهدا آورده

آورده و بقی بن مخلد از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم نحوه و هناد بن السری از

ابی سعید نحوه و ابو الشیخ از انس روایت کرده که حق تعالی شهدا را در شکم پرندگان سفید در قندیلها

معلق بعرش کرده اند و ابن منده از ابن شهاب بلاغا گفته که ارواح شهدا مانند پرنده سبز معلق بعرش

باشند و ابن ابی حاتم از ابی الدرداء آورده که گفت ارواح شهدا در پرنده سبز در قندیلها معلق

از ابی ملیکه

زیر عرش باشند سیر کنند در چمنهای بهشت هر جا خواهند و در صحیح بخاری از انس مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم
در حق حارثه بن سراقه که شهید شده گفته که او در فردوس اعلی است و این احادیث که در حق شهدا وارد شده
دلالت ندارد بر آنکه سوای شهدا کسی دیگر باین مرتبه نباشد انبیا و صدیقین از شهدا افضل اند و احادیث متقدمه
دلالت دارند که ارواح مومنان در بهشت باشند در آن تخصیص شهدا نیست دیگر احادیث در حق اطفال مسلمین
وارد شده اند که در بهشت باشند احمد و حاکم و ابوداود و غیره از ابوهریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که اولاد مومنین در کوهی در بهشت باشند پرورش کنند ایشان را ابراهیم علیه السلام و ساره رد کنند ایشان را بسوی
آباء ایشان روز قیامت و از خالد بن معدان آمده که از شجره طوبی شیر خورند و سعید بن منصور از مکحول از الخفره
مرسلا روایت کرده که ذریه مومنان در عصفورهای سبز باشند در بهشت و ابن ابی شیبه و بیهقی از ابن عباس
از کعب روایت کرده که در بهشت در پرنده سبز ارواح شهدا باشند سیر کنند در بهشت و ارواح اطفال مسلمین
در عصفورها در جنه باشند و ارواح آل فرعون در پرنده سیاه صبح و شام پیش آورده شوند بر دوزخ و همچنین هناد
بن السری از هذیل روایت کرده و چون اطفال مسلمین که بمتابعت آباء در اسلام بمسلمین ملحق اند در بهشت باشند
پس کبار مسلمین که بصلاح و تقوی آراسته باشند بطریق اولی در بهشت باشند از این احادیث معلوم میشود که ارواح
مومنین در بهشت باشند و ارواح کفار در دوزخ لیکن چون در قرآن و حدیث غالبا ذکر مومنان و کافران آمده
مومنان کامل مراد اند و عصاة مومنین در مقابله کفار مذکور شده اند پس این احادیث را بر مومنان کامل حمل باید
کرد و قرآن اخبار کرده اند النبیین والصدیقین والشهداء و الصالحین مراد از صالحین اولیاء الله

اند که قلوب ایشان از اشتغال بما سوی الله پاک گشته محال تجلیات الهی گشته در حق آن رسول فرموده

صلی الله علیه وسلم الا و فی قلب بنی آدم لمضغة اذا صلحت صلح الجسد کله واذا فسدت فسد الجسد کله

الا و هی القلب یعنی در بدن انسان مضغه گوشت است اگر صالح شد تمام بدن صالح شد و اگر فاسد شد

تمام بدن فاسد شد آگاه باش که قلب ایشان و نفوس ایشان از رذایل صفات پاک گشته از الوهیت با علم

استغفار کرده بر صفات اهل اطمینان پذیرفته حق تعالی در حق وی میفرماید یا ایتها النفس المطمئنة

ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی سوای آن جبار کرده بر کرا اغدا خواهد

با این بزرگان ملحق سازد که حق تعالی میفرماید ومن یطع الله والرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم

من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا و بعضی احادیث دلالت دارند

که جای ارواح شهدا بیرون بهشت است چنانچه احمد و طبرانی و ابی ابن شیبه بسند حسن از ابن عباس روایت

کرده که رسول فرموده صلی الله علیه وسلم ارواح شهدا بر نهر بر در دروازه بهشت در قبه سبز است بر آیند سوی ایشان

انهار رزق از جنت صبح و شام و هناد بن السری و ابن ابی شیبه از ابی بن کعب روایت کرده که

شهدا باشند در چمن ها بیرون نزدیک بهشت فرستاده شود بسوی آنها ماهی و گاو با هم تلاطم و اعتراک

کنند و شهدا را با آنها یاری کنند و قتیکه خواهند یکی از آنها دیگری را بکشد پس بخورند اثر و لذه بر چیزی که

در جنت است از آن یابند و آدم بن ابی ایاس از مجاهد روایت کرده که بیرون جنت باشند و میوه جنت

دیگر آنها با نهار رسد این احادیث در قوة مثل احادیث سابق نیستند و یحتمل که بودن شهدا از

بیرون

بیرون جنة باشند چنانچه در احادیث شهدا چند مرتبه فرموده مردی صالح جید الایمان خالص
شهید شد مرتبه او اعلی است انبیا بروی بدرجه نبوة فضل دارند و مردی است که عمل صالح و
غیر صالح میکند شهید شد گناهان او بخشیده شود لیکن از دخول جنة دین یا چیزی دیگر از حقوق الناس
او را مانع شود چنانچه مسلم از ابی قتاده و عبدالله بن عمرو بن عاص روایت کرده که آنحضرت فرموده که شهید را
همه گناهان بخشیده شود مگر دین جبرئیل بمن همین وقت گفته و بعض احادیث دلالت دارند که ارواح مومنین
در آسمان هفتم باشند و منازل خود که در بهشت اند می بینند بیهقی و ابونعیم بسند ضعیف از ابوهریره
روایت کرده و وهب بن منبه گفته که در آسمان هفتم خانه ایست که آنجا ارواح مومنین جمع
میشوند هرگاه می میرد آنجا میرود و در ارواح سابق از روی اخبار دنیا می پرسند و سعید بن منصور از
سلمان فارسی روایت کرده که روح مومن از بدن خارج شود در میان آسمان و زمین می باشد و
ابن مبارک و حکیم ترمذی و ابن ابی الدنیا و ابن منده از سعید بن مسیب از سلمان روایت کرده
که ارواح مومنین در برزخ باشند از زمین سیر کنند هر جا که خواهند و نفس کافر در سجین این احادیث
و اقوال اگر بدرجه صحت رسند محمول بران باید کرد که بعض مومنان اعمال ایشان آنقدر مساعدت
نکنند که داخل بهشت شوند در آسمان هفتم باشند بعض از انها آنچنان باشند که از آسمان بر تر
نتوانند رسید در میان زمین و آسمان باشند لیکن محبوس بذنوب چندان نباشند قدرت سیر
داشته باشند و بعض دیگر که بذنوب اسیر باشند قدرت سیر نداشته باشند طبرانی از انس روایت

کرده که جنازه آمد رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که برین دینی هست گفتند هست فرمود نماز من نفع نخواهد کرد

محبوس باشد و در قبر روح او بسوی آسمان صعود نکند اگر کسی دین را ضامن شود نماز خوانم و ترمذی

وغیره از ابوهریره روایت کرده‌اند که روح مومن محبوس باشد تا که دین ادا نشود و همچنین از آنحضرت از براء

بن عازب طبرانی روایت کرده که مدیون محبوس باشد شکایت تنهائی خود کند پیش خدا و براء روایت

از ابن عباس روایت کرده که آنحضرت فرمود که اینجا کسی از هذیل هست یا رسول الله بدروازهٔ بهشت محبوس است

عوض دین اگر خواهند دین او ادا کنند و اگر خواهند او را بعذاب خدا بسپارند پس کسی که بسبب دین یا

مانند آن داخل بهشت نتوانند شد یا بدروازهٔ بهشت نتوانند رسید یا از آسمان بر تر نروند یا

در قبر محبوس باشند و ارواح کفار هم شان و همچنین زیر زمین هفتم جائیکه دوزخ است محبوس باشند

و صبح و شام بر دوزخ پیش آورده شوند یعنی آتش پیش آورده شود بر انها صبح و شام و در روز قیامت

گفته شود که داخل کنند آل فرعون را در سخت‌تر عذاب النار یعرضون علیها غدوا و عشیا و یوم

تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب درین احادیث باین وجه تطبیق داده شود لیکن

دیگر احادیث دلالت دارند که ارواح مومنین و کفار هم شان در قبور انها هستند چنانچه حدیث طویل

براء بن عازب گذشته که روح مومن را فرشته‌ها تا آسمان هفتم رسانند حکم شود بنویسید کتاب

بنده من در علیین و باز برید او را بسوی زمین که از زمین پیدا کرده‌ام و باز در وی گردانم و

باز از وی بیرون آرم پس داخل کرده شود روح در جسد او و دیگر احادیث هم باین معنی دلالت

دارند

دارند تا آنکه ارواح انبیا هم در قبور شان باشند رسول کریم صلی الله علیه وسلم موسی علیه السلام را در شب
معراج دید که در قبر خود نماز میخواند و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هرکه درود فرستد بر من نزد قبر من بشنوم
و اگر از دور فرستد رسانیده شود و همین بنابر اختلاف روایات اقوال علما درین باب مختلف اند
ابن عبد البر گفته که زین احادیث اخیره اصح اند و احادیثه سوال منکر نکیر و مفتون شدن مردگان و بودن در بهشت یا
دوزخ و عذاب قبر و ثواب و ران و زیارة قبور و سلام بر آن و خطاب شان مانند خطاب حاضر عاقل
همین دلالة دارند که ارواح شان در قبور شان باشد و نسفی در بحر الکلام گفته که ارواح انبیا چون
از جسد بیرون میشوند صورت شان از مشک و کافور باشد و در بهشت باشند بخورند و بنوشند و تنعم فرمایند
و شبانگاه در قنادیل زیر عرش جا گیرند و ارواح شهدا در شکم پرنده سبز بخورند و بنوشند و تنعم کنند
و شبانگاه در قنادیل زیر عرش باشند و ارواح دیگر مردم مطیع از مومنان بیرون نزدیک بهشت باشند
آنجا از خوردن و تمتع نباشد مگر آنکه ببینند بهشت را و ارواح مومنان عاصی در میان آسمان و زمین باشند
در میان هوا و ارواح کفار در سجین باشند در شکم جانوران سیاه زیر زمین هفتم و آنها را بو جسد اتصالی
باشد با جساد ارواح را عذاب شود و اجساد را درد رسد چنانچه آفتاب بر آسمان هست و نور وی در
زمین و حافظ ابن حجر عسقلانی رحمة الله علیه میگوید که ارواح مسلمانان در علیین و ارواح کفار در سجین و
هریک روح را با جسد خود اتصالی باشد معنوی که مشابه به آن اتصال نیست که در حیوة دنیا بود بلکه اگر
مشابه و مماثل شود بحال خفته ولهذا گویند لیکن آن اتصال از اتصال خفته قوی‌تر است شیخ جلال الدین

نیز مذکور گشته که باین تقریر انچه در احادیث آمده که جای قرار ایشان در علیین و سجین است و انچه ابن
عبدالبر از جمهور نقل کرده که نزدیک قبور آمده جمع میشود و فقیر درین مقام جمع بین الاحادیث
در ان می بیند که ملئکه چون روح مومن را قبض کرده بسوی آسمان می برند تا بالای آسمان هفتم می برند
از انجا حکم میشود که نامه او در علیین نوشته شود و او را باز بسوی زمین برند که او را از همان زمین
پیدا کرده ام و باز بسوی او عاید سازم و باز از انجا بیرون آرم پس روح را داخل جسد آن کنند و سوال
منکر و نکیر شود و انبیا و کسی که مشابهه تامه با انبیا هم رسانده اند از سوال ارفع است و بعد سوال
چون بر جواب حق ثابت شود حکم شود که فرش کنند برای او از بهشت و پوشاک دهند از بهشت و بکشایند
برای او دروازه بسوی بهشت آنگاه روح او صعود کند بهمان راه که از قبر به بهشت باشد بسوی بهشت
ارواح انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا در ان بهشت باشند و هر جا خواهند سیر کنند و بخورند و بیاشامند
و زیر عرش جا گیرند و در علیین و اعلی علیین هر یک بر حسب مراتب خود باشند و دیگر مومنان
را اجازت رسائی تا انجا نباشد تا آسمان هفتم باشند و عصاة مومنین را تا انکه مغفرة ذنوب ایشان نشده باشد
از آسمان ترقی میسر نشود در میان آسمان و زمین باشند و در برزخ زمین سیر نمایند بلکه در حالت با
معاصی بعض را از قبر ترقی نشود و محبوس بمانند و کفار را که ارواح قبض کرده می برند دربان
آسمان بر انها مفتوح نشود و نامه او در سجین نوشته شود و او را بالا اندازند و روح در جسد او داخل
شود و از انجا برای او راهی بسوی دوزخ کشاده از ان راه روح او را بسجین رسانند و صبح و شام

ادوزخ

بر دوزخ عرض کرده باشند و بر بودن ارواح شهدا در بهشت دلالة دارد قوله تعالى قيل ادخل الجنة

قال يا ليت قومي يعلمون بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين که در حق حبیب نجار است و انبیا و صدیقان

افضل و اشرف اند از شهدا لیکن چون راه از قبور شان با بهشت حق سبحانه تعالی مسلوک و بر نزدیک مرقد ایشان بهشت است

هر گاه کسی زیارة قبر کند یا سلام گوید یا خطاب کند در طرفة العین آنجا حاضر شود و جواب سلام گوید و دیدن

رسول صلى الله عليه وسلم موسی علیه السلام را در شب معراج در قبر در نماز و باز بر آسمان ششم در همان شب بجای

ببذیکست رسول کریم صلى الله عليه وسلم در شب معراج از زمین تا السدرة المنتهى و جنة المأوى رفت و چه

قدر سیر در احکام پیش آمد و باز بر زمین تشریف آورد و بستر هنوز گرم بود و بعد مردن هر چند روح را

با جسد آن قسم اتصال نباشد که در حالة زندگی چنانچه قوله تعالى الله يتوفى الانفس حين موتها والتي لم تمت

في منامها فيمسك التي قضى عليها الموت ويرسل الاخرى الى اجل مسمى دلالة بران دارد لیکن البته

علاقه باقی میماند که ازان ادراک راحت و رنج کند و قطع نظر ازان اگر روح علحده معذب باشد و جسد

علحده معذب باشد این هم ممکن است و جسد بی روح هر چند نزد عوام احساس لذة و الم ندارد لیکن از شرع ثابت است

که عند الله احساس دارند ائتينا طائعين و اذنت لربها وحقت و يومئذ تحدث اخبارها نصوص قرآنی است

در حدیث آمده که یک کوه دیگر را میگوید که بر تو ذکر کننده هم گذشته است اگر گوید آری خوش میشود و قوله تعالى

انا عرضنا الامانة على السموات والارض الاية وقوله تعالى ان من شيء الا يسبح بحمده وقوله تعالى فما بكت عليهم السماء

والارض و حدیث گریستن زمین و آسمان بر موت مسلمان و خوش شدن زمین از دفن مسلمان و ابا کردن از دفن

کافر دل الله داد در بیند عا مولوی روم میفرماید شعر آب و باد و خاک و آتش بنده اند پیش ما مرده و با حق
زنده اند فایده حق تعالی در حق شهدا میفرماید بل احیاء عند ربهم اعنی مراد از شهیدان باشد که حق تعالی ارواح ایشان
را قوة اجساد میدهد هر جا خواهند سیر کنند و این حکم مخصوص بشهدا نیست انبیا و صدیقان از شهدا افضل اند
و اولیا هم در حکم شهید اند که جهاد با نفس کرده اند که جهاد اکبر است چون رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر
ازان کنایت است و شهدا و اولیاء الله گفته اند ارواحنا اجسادنا و اجسادنا ارواحنا یعنی ارواح ما کار
اجساد میکنند و گاهی اجساد از غایت لطافت برنگ ارواح می برآید میگویند که رسول خدا را [illegible]
صلی الله علیه و سلم ارواح ایشان در زمین و آسمان و بهشت هر جا که خواهند سیر کنند و دوستان و معتقدان
را در دنیا و آخرة مددگاری میفرمایند و دشمنان را هلاک میکنانند و از ارواح ایشان بطریق اویسیه فیض
باطنی میرسد و بسبب همین صحوة اجساد آنها را در قبر خاک نمیخورد بلکه کفن هم همچنان اند ابن ابی الدنیا
از مالک روایت کرده ارواح مومنین هر جا که خواهند سیر کنند مراد از مومنین کاملین اند و حق تعالی اجسام
ایشان را قوة ارواح میدهد که در قبور نماز میخوانند و ذکر میکنند و قرآن میخوانند حضرت مجدد رضی الله
عنه فرموده که حق تعالی بعض اولیا را جسم موهوب میدهد و این حکم در حق شهدا از حدیث ثابت است که
آنحضرت فرموده صلی الله علیه و سلم وقتیکه انسان شهید میشود حق تعالی جسد مثالی میکند بهترین صورت و گفته
میشود روح او را که درین بدن داخل شو پس میبیند جسد اول را آنچه با وی کرده میشود و سخن میگفته
و گمان میبرد که مردم سخن او را میشنوند و گمان میبرد که مردم او را می بینند تا که می آیند ازواج او حور عین

[illegible]

پس او را همراه خود می برند این حدیث را ابن منده مرسل روایت کرده باب اعمال زندگان بر اقربای مرده عرض کرده میشود احمد وغیره از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعمال شما بر اقربای شما که مرده اند عرض کرده میشود اگر اعمال خوب میباشند خوش میشوند و اگر بد میباشند ناخوش میشوند و میگویند که الهی اینها را نمیران تا که هدایت کنی و همچنان طیالسی از جابر بن عبد الله و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از ابی ایوب روایت کرده و درین باب احادیث از نعمان بن بشیر و ابو هریره و ابی الدرداء وغیره مرویست باب ارواح مومنان در خواب عروج میکنند تا عرش در عروج عرش ظاهرا مراد آنست ارواح مومنان کامل [illegible] از انبیا و اولیا چون شیاطین را در خوابهای انبیا دخل ممکن نیست خوابهای شان داخل وحی است و عروج ارواح اولیا تا فوق آسمانها میشود خوابهای شان اکثر صادق میباشد و چون عروج ارواح عوام بالای آسمانها نباشد خوابهای شان اکثر اباطیل میباشد در خوابهای اولیا که از زیر آسمان میبینند گاهی خلط شیاطین میشود از علی رضی الله عنه روایت کرده شده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مرد یا زن چون خواب میکند روح او بسوی عرش صعود میکند و آنجا در آسمانها آنچه در خواب می بیند آن خواب صادق میباشد و چون از آنجا باز می آید و در زیر آسمانها می بیند شیاطین در هوا ملاقات میکنند و دروغ میگویند آن خواب کاذب می باشد و بیهقی از عبد الله بن عمرو بن العاص روایت کرده که ارواح میروند بسوی آسمان و امر کرده میشود به سجود نزد عرش پس هر که پاک میباشد سجده میکند نزد

عرش در هر که پاک باشد سجده میکند بعید از عرش و ابن مبارک از ابی الدردا روایه کرده که روح
آدمی در خواب عروج میکند بسوی عرش پس هر که پاک میباشد اذن میشود او را بسجود و اگر مجنب
باشد اذن نکرده میشود بسجود باب در انچه مرده را از زندگان ایذا میرسد طبرانی و حاکم از عماره
بن حزم روایت کرده که مرا رسول صلی الله علیه وسلم بر قبری نشسته دید فرمود که از قبر فرود آی ایذا مکن
صاحب قبر را او ترا ایذا نکند و بخاری از عایشه روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم مردگان را
بد مگوئید بدرستیکه ایشان رسیدند بانچه کرده بودند و در روایت ابن ابی الدنیا آمده یاد نکنند مردگان
مگر بخیر اگر ایشان از اهل بهشت اند گنه کار خواهند شد شما و اگر ایشان از اهل دوزخ اند پس است ایشان را انچه
در ان هستند و نیز از صفیه بنت شیبه روایت کرده که بحضور آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرده
را به بدی یاد کرده آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که بجز نیکی یاد نکنند و ابوداود از ابن عمر روایت
کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که نیکیهای مرده ذکر کنند و بدیهای ذکر نکنید و ابن ابی شیبه از عقبه بن
عامر صحابی آورده که گفت که اگر قدم نهم بر آتش یا بر شمشیر بهتر است نزد من از انکه قدم نهم بر قبر و
قضاء حاجت کردن در مقابر و در بازار بحضور آدمیان یکسان میدانم و ابن ابی الدنیا روایه کرده
که سلیم بن عخوانه در مقبره بول نکرد و گفت حیا میکنم از مردگان چنانچه از زندگان میکنم و سعید بن
منصور و ابن ابی شیبه از ابن مسعود روایت کرده که پرسیده شد از پایمال کردن قبر فرمود که چنانچه
ایذاء مومن در حیات مکروه میدانم همچنان ایذاء او بعد موت مکروه میدانم فصل رسول فرمود

صلی الله علیه وسلم

صلی الله علیه وسلم المیت یعذب ببکاء اهله علیه یعنی مرده عذاب کرده میشود بسبب گریستن و نوحه
کردن اهل او بر وی این حدیث را بخاری از عمر بن الخطاب و ابو یعلی از ابی بکر صدیق و ابو هریره و ابن حبان
از عمران بن حصین و انس و طبرانی از سمره بن جندب و ابن منده از مغیره بن شعبه و ابن سعد از ابن عمر روایت
کرده و در صحیحین از عائشه روایت کرده که پیغمبر خدا چنین نفرموده است که هر مرده بسبب نوحه اهل او معذب میباشد
بلکه این حدیث در حق مرده کافر است یا در حق کسی که بسبب دیگر گناهان معذب است آنحضرت فرموده که اهل میت
بر میت گریه و نوحه میکنند و او عذاب کرده میشود و معنی حدیث سابق همین معنی فرود آورده و بقوله تعالی
لا تزر وازرة وزر اخری یعنی بر نمی دارد هیچ کس گناه دیگری را و دلالت دارد که هیچ کس بسبب گناه دیگری ماخوذ
نخواهد شد لهذا علماء حدیث سابق را تاویل میکنند بعضی تاویل میکنند چنانچه عائشه گفته یعنی محمول است بر میت کافر
یا فاسق و بعضی میگویند مراد از میت کسی است که عادت او نوحه بود یا کسی که بنوحه وصیت کرده امام بخاری بسبب
بامعنی قایل گشته و بعضی میگویند که مراد کسی است که میداند که بعد من اهل من نوحه خواهند کرد و او از آن منع نکرده
و بعضی میگویند که مراد از تعذیب توبیخ ملائکه است بدانچه اهل او ندبه میکنند ترمذی و حاکم و ابن ماجه روایت
کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که بمیرد و ندبه کننده بروی بگوید و اجبلاه و اسیداه و مانند این
وکوفته در سینه او بزنند و بگویند آیا این چنین بودی که هم اگر میت بنوحه و ندبه راضی باشد مستحق این
توبیخ هم نباشد و بعضی میگویند که میت متألم و رنجیده میشود از آنچه اهل او میکنند طبرانی و ابن ابی شیبه از قیله
بنت مخرمه روایت کرده که وی ذکر کرده نزد رسول صلی الله علیه وسلم فرزند خود را که مرده بود پس بگریست

پس فرمود رسول صلی الله علیه وسلم آیا غالب میشود بر یکی از شما که صحبت دارد با دوست خود در دنیا نیکوی و چون که

بمیرد انا لله وانا الیه راجعون گوید قسم بکسی که جان محمد در دست اوست بدرستیکه یکی از شما گریه

میکند پس عار میکند بسوی وی دوست او پس ای بندگان خدا عذاب مکنید مرده خود را و این قول را

ابن جریر و ابن تیمیه و اکثر ائمه اختیار کرده اند سعید بن منصور روایت کرده که ابن مسعود زنان

را که در جنازه دیده بود باز گردید با گناه ... یعنی بار بردارنده گناه غیر ماجورات بدرستیکه فتنه

میکنید زندگان را و ایذا میکنند مردگان را و یحیی بن سعید از حسن بصری روایت کرده که بدترین آدمیان

برای میت اهل اوست بروی گریه میکنند و دین او را ادا نمیکنند **بابی چیزی که میت را در قبر نفع کند** ابو نعیم از

ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه بنده مومن میمیرد دو فرشته

یعنی کاتبان اعمال او بسوی آسمان صعود میکنند و میگویند ای پروردگار ما را موکل کرده بودی

برای نوشتن عمل او و او را قبض روح کردی پس اذن فرما که در آسمان باشیم حکم شود که آسمان من

پر است از فرشتگان من تسبیح میکنند برای من پس بگویند که اذن فرما که در زمین باشیم پس فرماید که

زمین من هم پر است از خلق من تسبیح میکنند لیکن شما بر قبر بنده من ایستاده باشید و تسبیح و تهلیل

و تکبیر من میگفته باشید تا روز قیامت و آنرا برای بنده من بنویسید ظاهر آنست که این حکم برای مومن کامل

که چهار فریق اند و ابن ابی الدنیا و ابو نعیم در حلیه از ثابت بنانی روایت کرده که چون مسلمان

در قبر نهاده شود اعمال صالحه او را احاطه کنند و آید فرشته عذاب پس بعض اعمال او بگویند دور شو

از دور

از وی اگر نبودی او را بخزمی تا هم نمی رسید پس تو بودی و در صحیحین از انس است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم وقتیکه
کسی مرد سه چیز پیروی او میکنند اهل و مال و عمل دو چیز باز میگردند و عمل نزد وی باقی میماند و ابن ابی الدنیا
از یزید بن منصور روایت کرده که مردی که قرآن میخواند وقت مرگ چون ملائکه عذاب حاضر شوند تا قبض روح
کنند قرآن برآمد و گفت ای پروردگار مسکن من است که در ان مرا ساکن کردی حق تعالی فرمود بگذارید
قرآن مسکن او را و اصبهانی از ابی منهال روایت کرده که هیچ رفیق در قبر محبوب تر بسوی مرده از استغفار
کثیر نیست و در صحیح مسلم از ابوهریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم وقتیکه انسان مرد عمل او منقطع
شد مگر سه چیز یکی صدقه جاریه یعنی وقف دویم علم که مردم از وی نفع میگیرند یعنی مردم بعد مردن از علوم او منتفع
میشوند یعنی تلامذه گذاشته یا کتب تصنیف کرده گذاشته سیوم اولاد صالح که برای او دعا کنند و احمد از ابی امامه
از انحضرت صلی الله علیه وسلم چهار چیز آورده چهارم شخصی که مرابط است در راه خدا یعنی برای محافظه اهل اسلام
بر راه عبور کفار یعنی جهاد نشسته بود مرد عمل او هم بعد موت جاری باشد و ابن ماجه و ابن خزیمه از ابوهریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم انچه مسلمان را بعد موت او از حسنات او میرسد علم است که پراگنده
کرده یا ولد صالح گذاشته یا مصحف گذاشته یعنی تا مردم در ان تلاوه کنند یا مسجد یا مسافرخانه بنا کرده یا نهر
جاری کرده یا صدقه در حالت صحت خود از مال برآورده پس بعد موت او بوی لاحق شده و ابونعیم و بزار هفت چیز
ذکر کرده از انجمله آنکه چاهی کنده بوده یا درخت نشانده و ابن عساکر از ابی سعید خدری از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده که هر که یک آیه از قرآن یا یک مسئله از علم کسی را بیاموزد جاری دارد الله تعالی ثواب آن تا روز قیامت

و طبرانی از ابو هریره آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که الله تعالی در بهشت برای بنده صالح درجه بلند میکند آن بنده
بگوید که الهی این درجه مرا از کجا شد گوید بسبب استغفار ولد تو برای تو و نیز از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
علیه و سلم روایت کرده که مرد را امثال کوهها از حسنات روز قیامت رسد گوید این از کجاست گفته شود که بسبب استغفار
فرزند تست و در صحیح مسلم از جریر بن عبد الله از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر که طریقه نیک جاری کرد بعد خویش
را رواج داد او را ثواب آن حسنه باشد و ثواب هر کسی که بدان حسنه عمل کرده باشد رسد بی آنکه از ثواب عمل
کننده آن حسنه کم شود و هر که طریقه بد جاری کرد یعنی عمل بد را رواج داد او را گناه آن عمل باشد و هم گناه کسی که
بدان عمل کند بی آنکه چیزی از گناه عمل کنندگان کم شود ابن سعد از رجا بن حیوه روایت کرده که سلیمان بن
عبد الملک را گفته که از چیزهای که خلیفه را در قبر محفوظ دارد آنست که بعد خود مرد صالح را خلیفه سازد
بیهقی و دیلمی از ابن عباس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که نیست مرده در قبر مگر مانند غرق
شونده فریاد کننده انتظار میکند دعای خیر را که برسد او را از پدر خویش یا مادر یا فرزند یا دوست معتمد علیه پس
چون میرسد او را باشد محبوب تر بسوی او از دنیا و ما فیها و بدرستیکه حق تعالی داخل میکند بر قبور از دعای
اهل زمین مانند کوهها و بدرستیکه هدیه زندگان بسوی مردگان استغفار است و ابن ابی الدنیا از سفیان ثوری
روایت کرده که چنانچه زندگان بسوی طعام و آب محتاج اند مردگان بسوی دعا ازین محتاج تر اند و از
اکثر علما منقول است اجماع بر آنکه دعای زندگان مرده را نفع میکند و دلیل آن از قرآن است قوله تعالی
و الذین جاؤا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان و طبرانی در اوسط

از انس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که امة من امة مرحومة است داخل قبرها میشوند
با گناهان و بیرون خواهند آمد از قبرها بی گناه دور شوند گناهان ایشان بسبب استغفار مومنان برای ایشان و
در صحیحین است از عایشه رضی الله عنها مرویست که مردی گفت یا رسول الله مادر من بمفاجاة مرد و چیزی وصیت نکرده
و گمان دارم که اگر حرف زدی سخن میگفت تصدق میکرد آیا او را ثواب باشد اگر من تصدق کنم از طرف وی فرمود
آری و بخاری از ابن عباس روایت کرده که سعد بن عباده گفت یا رسول الله مادر من مرده و من غایب بودم
اگر من از طرف او صدقه کنم او را نفع رسد فرمود آری پس سعد گفت من شاهد میکنم ترا یا رسول الله که باغ
من صدقه است از طرف او و احمد و اصحاب سنن اربعه از سعد بن عباده روایت کرده که گفت یا رسول الله مادر
من مرده کدام صدقه افضل است فرمود صدقه آب پس چاهی کنده و گفت که ثواب این چاه برای ام سعد است
و همچنین طبرانی بسند صحیح از انس آورده و طبرانی نیز از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
وقتیکه تصدق کند یکی از شما صدقه نفل باید که گرداند صدقه را از پدر و مادر خود پس باشد ثواب
آن صدقه پدر و مادر ایشان را و کم نشود از اجر او چیزی و همچنین دیلمی از معاویه بن حیده روایت کرده
و طبرانی در اوسط از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که نباشد اهل خانه که یکی از ایشان مرده
پس تصدق کنند از طرف او بعد موت او مگر آنکه هدیه کند برای او جبرئیل بر طبقی از نور و ایستد بر
کناره قبر او و بگوید ای صاحب قبر عمیق این هدیه فرستاده است بتو اهل تو پس قبول کن پس آن هدیه
بر وی داخل شود پس خوش شود بدان و غمگین شوند همسایگان او که هدیه بسوی ایشان فرستاده نشده

وابن ابی شیبه از سعید بن سعید روایة کرده که اگر از طرف میت یا حج صدقه کرده شود برابر
رسد او را و طبرانی از عقبه بن عامر روایة کرده که زنی گفت یا رسول الله حج کنم از طرف
مادر خود فرمود اگر بودی بر مادر تو دین ادا می کردی گفت آری پس امر کرد او را اگر حج کند
همچنین بزار و طبرانی بسند حسن از انس روایة کرده که آنحضرت امر کرد مردی را برای ادای
حج از طرف پدرش و طبرانی از ابی هریره روایة کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
هر که حج کند از طرف مرده پس حج کننده را همچنان قدر ثواب باشد و بیهقی و اصبهانی از ابن عمر
روایة کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که حج کند برای والدین خود بعد مردن ایشان
بنویسد الله تعالی برای او آزادی از آتش و مادر و پدرش را ثواب حج کامل میرسد
و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم صله رحم بهتر ازین نیست که برای او حج کند بعد موت او
ابن ابی شیبه از عطا و زید بن اسلم روایة کرده که مردی گفت یا رسول الله آزاد کنم
از طرف پدر خود که مرده است فرمود آری و نیز از عطا روایة کرده که میرسد بعد موت
ثواب عتق و حج و صدقه و روایة کرده از محمد باقر رضی الله عنه که حسن و حسین علیهما السلام
از طرف علی مرتضی رضی عنه آزاد میکردند و ابن سعد از قاسم بن محمد روایت کرده که عائشه
از طرف برادر خود عبد الرحمن از مال قدیم خود آزاد کرده بامید آنکه نفع کند او را
بعد موت او و ابو الشیخ از عمرو بن العاص روایة کرده که گفت یا رسول الله

عاص

عاص وصیه کرده بود بآزاد کردن صد برده پس آزاد کرد هشام از انجمله پنجاه فرمود نه صدقه و حج و عتق
کرده نمیشود مگر از مسلم اگر مسلم می بود او را ثواب میرسید و ابن ابی شیبه از حجاج بن دینار روایت کرده که
رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود از جمله نیکی کردن با پدر و مادر آنست که نماز گذاری برای آنها با نماز خود و روزه
داری برای آنها با روزه خود و صدقه دهی از طرف آنها با صدقه خود و در صحیحین از عایشه مرویست که رسول
خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بمیرد و بر وی روزه واجب باشد روزه دارد از طرف او قریب او و مسلم در
صحیح از بریده روایت کرده که زنی گفت یا رسول الله بر مادر من روزه دو ماه واجب بود آیا من از طرف
او روزه دارم کفایت کند او را فرمود آری باز گفتم که مادر من گاهی حج نکرده بود اگر من از طرف او حج
کنم او را کفایت کند فرمود آری پس تحقیق ثابت شد که ثواب عبادتی بدنی مانند نماز و روزه و حج و عبادات مالیه
از صدقه و عتق و کندن چاه بمیت میرسد بنا بر آن جمهور فقها حکم کرده اند که ثواب قراءة قرآن و اعتکاف
و غیره هر عبادت بمیت میرسد و بهمین قائل ابو حنیفه و مالک و احمد و شافعی در این خلاف کرده حجت می آرند
بقوله تعالی لیس للانسان الا ما سعی و جواب نصوص مذکوره و اجماع و بقوله تعالی الحقنا بهم ذریتهم
ثابت شده که از اعمال غیر هم گاهی منتفع میشود پس تاویل این آیه واجب شده پس بعضی گفته اند که این آیه
منسوخ است بقوله تعالی الحقنا بهم الآیه و بعضی گفته اند که این حکم خاص است بامت ابراهیم و موسی علیهما السلام و بعضی
گفته اند که لام بمعنی علی است یعنی لیس علی الانسان الا ما سعی و بعضی گفته اند که مراد از انسان کافر است و توجیه
سیاق کلام و تاویل نزد فقیر آنست که معنی سعی جد و کوشش است در امر و معنی آیت آنست که هر کاری

گرانسان میکند انچه نیت و قصد او را انکار نباشد همان او را میرسد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم انما الاعمال

بالنیات و انما لکل امرء ما نوی فمن کانت هجرته الی الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله و من

کانت هجرته الی الدنیا یصیبها او امراة ینکحها فهجرته الی ما هاجر الیه حافظ شمس الائمه بن عبد الواحد

گفته از قدیم در هر شهر مسلمانان جمع میشوند و برای اموات قران میخوانند پس اجماع شده و خلال از شعبی

روایت کرده که بودند انصار وقتیکه کسی میمرد از انها بسوی قبر او میرفتند و برای او قران میخواندند و ابو محمد

سمرقندی رضی الله عنه از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هرکه در مقابر بگذرد و قل هو الله احد

یازده بار بخواند ثواب ان با موات بخشد او را ثواب داده شود بعدد مردگان و ابو القاسم سعد بن علی

از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه داخل مقابر شود پس بخواند فاتحه و

قل هو الله احد و الهاکم التکاثر و بگوید که انچه خوانده ام ثواب ان باهل قبور از مومنین و مومنات

گردانیدم انهم مردگان برای او شفیع باشند بسوی الله تعالی و عبد العزیز صاحب خلال شد جمع

از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هرکه داخل مقابر شود و سوره یس بخواند از

مردگان تخفیف عذاب شود و او را بعدد مردگان حسنات باشد قرطبی گفته که رسول فرمود صلی الله

علیه وسلم بخوانند بر مردگان سوره یس جمهور میگویند در وقت مردن بخواند و عبد الواحد مقدسی

گفته که نزد قبور بخواند و محب طبری گفته که در هر دو حال خواند و در احیاء العلوم از احمد بن

حنبل روایت کرده که وقتیکه در مقابر داخل شوید فاتحه و معوذتین و قل هو الله احد خوانده برای

اهل مقابر

اهل مقابر گردانند بانهار سر و بالا گذشته خواندن فاتحه نزد سر میت و خاتم سوره بقره نزد پا او از

حدیث ابن عمر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم اول سوره بقره و خاتم آن از حدیث علا بن ابن اللجلاج

والله اعلم باب در حسن اوقات برای موت ابو نعیم از ابن مسعود روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه

وسلم هر کرا اتفاق مرگ شد نزد تمام رمضان یا تمام عرفه یا در عقب صدقه داخل بهشت شود و ابو نعیم

از خیثمه روایت کرده که بودند سلف خوشی میکردند آنرا از مرگ کسی نزد عمل صالح حج یا عمره یا روزه و جهاد

یا جهاد و احمد از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که لا اله الا الله گفت یا روزه داشت

یا صدقه داد برای رضای حق تعالی و بر آن ختم شد داخل بهشت شود و دیلمی از عائشه روایت کرده که رسول

فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که روز جمعه یا شب جمعه مرد از عذاب قبر پناه یافت و در روز قیامت ابو

و برو علامت شهدا باشد باب در آنکه جسد انبیاء و شهدا در قبر خاک نشود حاکم و ابو داود از

اوس بن اوس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بیشتر درود بفرستید بر من در روز جمعه

پس بدرستی که درود شما بر من عرض کرده خواهد شد گفتند یا رسول الله چگونه عرض کرده شود بر تو

در حالی که تو بوسیده یعنی خاک شده باشی فرمود حق تعالی حرام کرده است بر زمین اجساد انبیا را

و ابن ماجه از ابی الدرداء مانند آن روایت کرده و امام مالک و غیره روایت کرده اند که چون

معاویه نهر آورد از راه جبل احد گفت هر کس قتیل او آنجا مدفون باشد از آنجا خبر گیرد مردم

عمرو بن جموح و عبدالله بن جحش و عبدالله بن عمرو بن حرام را از آنجا برداشته نقل مکان کردند

بعد نهان شدن سالم برآمده تازه و بوی مشکی از آن خاک می‌آمد و کلعبد پای حمزه رسید خون از آن
جاری شد ازینجا معلوم میشود که انبیا و شهدا اگرچه ارواح در اعلی علیین باشد لیکن علاقه
شان ببدن زیاده باشد از آنچه دیگران را باشد و شهدا آنها را احیا میگویند و همچنین باشد حال صدیقان
و صالحان یعنی اولیا و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مؤذنان که برای ثواب
خدا اذان میکنند مانند شهدا آلوده بخون است و چون بمیرد کرم نشود در قبر او مرطبی گفته
ظاهر آنست که او را خاک نخورد و ابن منده از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم وقتیکه حامل قرآن بمیرد وحی میکند حق تعالی بسوی زمین که گوشت او را نخوری زمین
گوید ای رب چگونه خورم گوشت او را در حالیکه کلام تو در شکم اوست ابن منده گفته که درین
باب از ابو هریره و ابن مسعود نیز روایت است و مروزی از قتاده روایت کرده که حکم ما را رسیده است
که زمین مسلط نشود بر جسد کسی که گناه نکرده باشد اقول بندگان صالح یعنی اولیاء الله که قلوب
و ابدان آنها صلاح یافته اند از گناهان محفوظ و مغفور اند زمین بر اجساد آنها هم مسلط نشود
چنانچه شهدا را که سیف آنها را از گناهان پاک کرده است والله اعلم والحمد لله رب العالمین و الصلوة
والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین و علی جمیع الانبیاء والمرسلین و علی الملائکة المقربین
و علی عباد الله الصالحین برحمتک یا ارحم الراحمین تمام شد رساله مسمی تذکرة الموتی من تصنیف
حضرت مولوی محمد ثناء الله پانی پتی مد ظله العالی